

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
دلایل گرایش شهروندان به مسیحیت.....	۲۹
مسیحیت در افغانستان (گزارش ویژه).....	۳۱
افغانستان آماج تهاجم فکری غرب.. ..	۱۷
تهاجم فرهنگی غرب در افغانستان رو به شکست است.....	۱۷
آونگ از صلیب شکسته.....	۱۷
کی شود دریا زپوز سگ نجیس.....	۴۶
گسترش مسیحیت و غفلت خواص.....	۴۹
نشست ها و تظاهرات در مورد گسترش مسیحیت سازی.....	۱۷
اعلامیه احزاب، نهاد های علمی و.....	۵۰
اطلاعیه و.....	۵۵

## مقدمه

### اسلام‌ستیزی صهیونیست‌ها با مسیحیت سازی در افغانستان

هرچند اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی پدیده‌ی تازه‌ای در غرب نیست و تقریباً ریشه در تاریخ اروپا و به ویژه جنگ‌های صلیبی دارد اما امواج جدید اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، پروژه‌ای کاملاً هدفمند و طراحی شده از سوی صهیونیسم بین‌الملل می‌باشد که با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع و تاکتیک‌های پیچیده به صورت پر دامنه‌ای در حال اجرا است.

روند گسترش مهاجرت گسترده مسلمانان به اروپا و آمریکا و مقاومت آنان در برابر هضم شدن در هنجارها و فرهنگ غربی و همچنین تأکید و تقید مسلمانان به اعمال دینی و رشد اسلام‌گرایی در بین اروپائیان، غربی‌ها را به هراس انداخت و آنان را به چاره‌جویی واداشت، از این رو غرب در صدد برآمد تا با تکیه بر راهبرد اسلام‌هراسی و از طرف دیگر و به زعم خود مهمترین مانع جدی بر سر راه جهانی سازی و استیلای فرهنگ، سیاست و اقتصاد غرب را بدین ترتیب از سر راه بردارد، این مانع از منظر غربی‌ها همان خود آگاهی مسلمانان، بازیابی هویت دینی و شکل‌گیری بیداری اسلامی هست.

انتشار کتاب آیات شیطانی در راستای موج اول اسلام‌هراسی بود، با فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق در آغاز دهه‌ی ۹۰ میلادی و خلاء بیگانه‌هراسی و محاصره اندیشی متداول عوام در غرب، راهبرد اسلامی‌هراسی به صورتی جدی‌تر مورد اهتمام و توجه بازیگران سلطه‌گر قرار گرفت. در همین راستا موج اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و انفجارهای نیویورک و واشنگتن عملیاتی شد.

موج اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در غرب و در پی ناکامی آمریکا در عراق و شکست طرح خاورمیانه بزرگ که در واقع شکست رویکرد سخت‌افزاری در راهبردهای اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی بود، گسترش جمعیت مسلمانان از یک سو و رویکرد مردم غرب به اسلام و نگرانی عمیقی را در نزد سردمداران غربی به وجود آورده است به گونه‌ای که با انتشار برخی آمارها، پیش‌بینی کرده‌اند که تا چند دهه‌ی آینده اروپا قاره‌ای مسلمان خواهد

شد. از این رو عملیاتی شدن راهبردهای اسلام هراسی و اسلام‌ستیزی در نزد سیاست‌گذاران اروپایی، در واقع ترفندی است برای مقابله و مهار روند موصوف. در سالهای اخیر با آمدن نیروهای خارجی در افغانستان، زمینه برای مسیحیت‌سازی در افغانستان بیشتر گردید، بارها این نگرانی در جلسات متعدد شورای علمای شیعه و شورای اخوت اسلامی (نگارنده بعنوان منشی شورای اخوت)، بحث و راه بیرون رفت از این معضلات صورت گرفت، آیت الله محسنی بارها مبارزات شیخ محمود حلبی<sup>۱</sup> را مثال می‌زد و اظهار می‌داشت که ما باید همانند حلبی در این راستا کار کنیم، ایشان در یکی از جلسات هفتگی شورای اجرائی یکی از اعضای شورای علمای شیعه که اهل قلم هست، از وی نام برد و اضافه نمود که اینها باید برای شناسایی اشخاص و مراکز مسیحی سازی توظیف گردد، در نهایت این مسئولیت از سوی شورای علمای شیعه به عهده حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای رئیس کمیسیون تبلیغات شورای علمای شیعه گذاشته شد و ایشان از آن زمان دوتن از افراد مورد اعتماد شان را جهت شناسایی مراکز مسیحیت‌سازی توظیف نمودند، از آنجاییکه جناب آقای هادی جهت تداوی به خارج از کشور سفر نموده بود در چنین شرایطی اشتباهاتی توسط افراد موظف وی صورت می‌گیرد و قضیه افشاء می‌شود، با افشاء این پروژه برخی حلقات سیاسی به انواع مختلف بهره برداری نمودند و این حرکت را از مسیر اصلیش منحرف ساختند.

---

<sup>۱</sup> شیخ محمود حلبی در دوران طلبگی همراه یکی از هم‌مباحثه هایش توسط یک مبلغ بهایی به آئین بهایی دعوت شده بود، دوست او به بهائیت گروید، این موضوع زنگ خطری را برای حلبی به صدا در آورد، او با کنار گذاشتن تحصیلات و مطالعات معمول، وقت خود را وقف مطالعه تاریخ و متن‌های اصلی بهائیت کرد تا یک پاسخ جامع اسلامی برای مسئله بهائیت بیابد.

پس از سال ۱۳۳۲ انجمن حجّیه در تلاش برای مقابله با بهائیت برخی از ویژگی‌های بهائیان را تقلید می‌نمود، لذا انجمن حجّیه به رهبری شیخ محمود حلبی توانست اجازه دریافت و استفاده از بخشی از عشریه‌ها (سهم امام) را از مراجع تقلید شیعه کسب نماید و در این مبارزه موفقیت‌های چشمگیر داشت و اما در باره انجمن حجّیه بحث‌های هست که در این جا مناسب نمی‌دانم.



..... ۵

فلمی را

داشت که

های

(NCA) یا موسسه کمک کننده کلیسای ناروی (WCF) یا موسسه خدمات جهانی کلیسا را که متهم به پخش نصرانیت و تبلیغ برای آیین منحرف مسیحیت در افغانستان می باشند، به حال تعلیق در آورده و در مورد اتهامات وارده بر آنها تحقیق می کند.

هر چند ترویج مسیحیت در افغانستان از سالها قبل توسط موسسات غربی به طور پنهانی وجود داشته و صدها تن از اتباع کره جنوبی که به عنوان توریست، اما در حقیقت برای ترویج و تبلیغ مسیحیت به افغانستان سفر کرده بودند، با اعتراض تعداد از مسلمانان رو برو شدند که در نهایت باعث اخراج این توریستان توسط دولت از کشور انجامید، البته آمار دقیقی از پیروان آیین مسیحیت در افغانستان در دست نیست، اما دو سال قبل سازمان سیا، پیروان دین مسیح در این کشور را ۵۰۰ هزار نفر تخمین زد که در اجرای اعمال دینی خود با محدودیت رو به رو هستند.

در این جزوه صرف به برخی از گزارشات و نوشته های دوستان اکتفا می گردد، در نظر است تا در آینده تحقیقات بیشتر در این زمینه صورت گیرد.

## دلایل گرایش برخی شهروندان کشور به مسیحیت

چندی قبل تلویزیون خصوصی نورین در برنامه «سرزمین من» تصاویری را به نشر رسانید که نشان می داد جمعی به دین مسیحیت گرویده و این اولین بار نیست که در کشور حرف از گرایش برخی شهروندان به مسیحیت گفته می شود، سالهای قبل نیز در مناطق شرق و جنوب و شمال و کابل بارها مردم اعتراض کردند که خارجی ها به بهانه های گوناگون در نقاط مختلف کشور دست به تبلیغ آموزه های مسیحیت می زنند وعده ی را تشویق می کنند تا تغییر عقیده دهند.

گفته می شود برخی اشخاصیکه در این ماجرا تصاویر شان پخش شده و مسیحی قلمداد گردیده و از دید مردم مسیحی شده اند؛ اما به گفته ی مسئولین بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) دوتن از آنها، افراد نفوذی این مرکز جهت شناسایی و تحقیق به کلیساهای خانگی فرستاده شده بود که با ریشه یابی و تحقیق بیشتر در این زمینه مستند سازی شده و با همکاری علمای کشور از طریق ارگانهای مسئول و قانون اقدام عملی صورت گیرد.

بدین منظور مصاحبه ی را با حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر عادل «حسینی» معاون تبلیغ و امور فرهنگی بنیاد نامبرده داشتیم و سوال اول و اساسی از وی این است که چرا عده ی از مردم به مسیحیت می گروند و یا مرتکب چنین عملی می شوند؟

آقای عادل «حسینی» در پاسخ گفت: ممکن یکی از دلایل برای ارتکاب چنین ذلتی، فقر و تنگدستی شماری از شهروندان کشور باشد که با وعده های مبلغان کلیساهای اروپایی و امریکایی مجذوب اندیشه های آنان می شوند و حاضرند برای رها شدن از مشکلات اقتصادی و زندگی شان هر گونه ذلتی را بپذیرند؛ علاوه بر وعده های متعدد مبلغان مسیحی از جمله تابعیت آنان به کشورهای اروپایی و غربی و فراهم کردن زمینه زیست مناسب و مرفه، متأسفانه کوتاهی ویب توجهی برخی از عالمان و مراکز دینی کشور در تبلیغ و نشر معارف اسلامی و تلاش موسسات و حلقات مسیحی سازی با استفاده از آزادی بیان با ایجاد لیسه ها، مراکز فرهنگی و رسانه های نوشتاری و تصویری با اهانت به ارزشهای دینی، چنانچه چندی قبل از سوی یکی از رسانه ها حتاکی به مراجع تقلید تشیع و نخبگان تسنن و ایجاد شبهه به اعتقادات دینی و دامن زدن به اختلافات قومی و سمتی که باعث سست شدن

اعتقادات دینی می گردد، وقتی که مسئله قومی بر اعتقادات دینی و مذهبی شرافت پیدا کند و بی تفاوت ماندن در برابر ارزش های دینی خود دیگر دلایل گرایش شهروندان کشور به خواست های مبلغان مسیحیت هست.

از معاون بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) پرسیده شد: تصاویر که از تلویزیون نورین به نشر رسیده احمدشاه رجا در یکی از کلیساهای خانگی حضور دارد، اما جناب آقای هادی ریاست محترم بنیاد طی مصاحبه ی که در تلویزیون نورداشت اظهار نمود که آقای رجا از سوی بنیاد نامبرده توظیف گردیده بود، او در این زمینه اظهار نمود:

با آنکه آمار دقیقی از گرویدگان به آیین مسیحیت در افغانستان در دست نیست، ولیکن این موضوع از سالیان قبل در جلسات متعدد علمای دینی بحث گردید و حدود سه سال قبل در جلسات شورای علمای شیعه و شورای اخوت اسلامی موضوع گرویدن افغانها به مسیحیت مایه نگرانی و تاسف علما در راستای ترویج دین مسیحیت گردیدند، بخاطر نگرانی در این موضوع چند سال قبل در یکی از جلسات شورای علمای شیعه تفصیلاً بحث صورت گرفت و طی مصوبه این شورا مسئولیت شناسایی ترویج مسیحیت به مسئول تبلیغات شورای علمای شیعه حجت الاسلام والمسلمین جناب حاج آقای هادی سپرده شد که ایشان به تحقیق و بررسی و دلایل گرایش و گرویدن شهروندان کشور به مسیحیت را پردازند؛ در ماه جدی ۱۳۸۶ احمدشاه رجا طی نامه ی از سوی جناب آقای هادی ریاست محترم بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) به تحقیق در مورد روند مسیحی سازی در کابل توظیف گردیده بود که در آن نامه آمده: در صورت لزوم با آنها پیوسته و از چگونگی جریان، گزارش آماری و مستند تهیه و در اختیار بنیاد گذاشته شود.

او در پاسخ سوالی که آیا تا کنون از سوی بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) اقداماتی در این زمینه صورت گرفته است گفت: با آنکه قبلاً دهها نفر از اتباع کره جنوبی بدلیل ترویج مسیحیت از افغانستان اخراج شدند ولی با آنهم شماری از واحد های مسکونی در نقاط مختلف و اقوام متعدد کشور، مخصوصاً مناطق مختلف شهر کابل، از جمله منطقه غرب کابل که بیشتر از سوی این مرکز تحقیق صورت گرفت، هفت منزل که از آن به عنوان کلیسا استفاده می گردید و به مراکز ترویج مسیحیت تبدیل شده شناسایی شد و یک تبعه تاجیکستان بنام «رستم خان» در منطقه «کارته چهار» غرب کابل در خانه ای که از آن

به عنوان کلیسا استفاده می شد و به دانشجویان درس مسیحیت می داد و همین گونه کسی بنام ذکی که از کلیسای بزرگ دهلی جدید آمده بود و بیشتر مشوق جوانهای محصل دانشگاه کابل به این گونه مراکز بود و همچنین به یک خانم تایلندی بنام بیجن که از صلاحیت فوق العاده در شفاخانه کیور بر خوردار بود که صلاحیت جذب افراد یا پرسونل داخلی شفاخانه بعهده اش بود که در مجموع ۷ تا کلیسای خانگی (۳ تا کلیسا در کارته ۴ و ۲ باب کلیسا در کارته ۳ و ۱ کلیسا نسبتاً بزرگ در سرک ۴ سیلوی و ۱ باب کلیسای دیگر در ساحه ی پل خشک غرب کابل) توسط افراد که از سوی بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) فرستاده شده بود افشا گردید.

به ادامه افشای برخی کلیساها و ترویج مسیحیت بتاريخ ۱۱ جوزا ۱۳۸۹ شورای ملی افغانستان با فراخواندن وزیر داخله و رئیس عمومی امنیت ملی در پارلمان شناسایی کلیساهای خانگی آنها ضعف و نا توانی شان را بیان داشتند، رئیس امنیت ملی براساس گفته ی یکی از وکلای پارلمان و رهبر حزب سیاسی تکیه نموده که او قبلا در یکی از جلسات شورای ملی این وضعیت را به جنگ استخباراتی یکی از کشورهای همسایه عنوان نموده بود تأکید داشت، متأسفانه این حرکت آگاهانه و یا نا آگاهانه سعی شد به انحراف کشانده شود، در پایان پرسش و پاسخ و کلا و دو مقام امنیتی، محمدیونس قانونی رئیس شورای ملی ضمن گلایه از موقف نمایندگان از وزارت داخله و ریاست امنیت ملی خواست که هر چه زودتر پرونده افراد مرتبط با موضوع را پیگیری و به صورت درست ریشه یابی کرده و نتایج آن را به نمایندگان مردم گزارش دهند.

ناگفته نباید گذاشت نه تنها دود سوختن جوانان از کلیسا ها به مشاهده می رسد بلکه بیشتر در میخانه ها و لانه های فساد موسسات خارجی شعله ورتر می سوزند و این یکی از ده ها پدیده ای شومی است که بدنبال دموکراسی دورغین غربی به کشور و بخصوص کابل پایتخت آمده است، لانه های فساد اخلاقی، میخانه های متعدد، گیسست هاوس ها و نایت کلب های شبانه کابل کاملاً فرایند این موکراسی منحنط می باشد که دارد به یک فرهنگ تبدیل می شود و اصالت دینی و فرهنگی کابل نشینان مسلمان را بخطر انداخته است.



در اخیر می‌خواهم دونکته را یاد آوری کنم. اولاً بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> در راستای پدیده شوم مسیحی سازی تلاش جدی نمود، اطلاعاتی را که این مرکز جهت عملیاتی شدن آن در اختیار جناب آقای اتمر وزیر داخله وقت گذاشت و ی در پارلمان آن گزارش را از طرف خود و بعنوان دست آورد به شورای ملی ارائه نمود، این خود ضعف یک وزارت کلیدی را می‌رساند که حتی یک مرکز را هم نتوانست برگزارش بنیاد افزوده نماید و دیگر اینکه؛ شورای علمای شیعه روز یکشنبه نهم جوزا برای اولین بار آقای رجا را در جلسه شورای علمای شیعه دعوت شد و او کار کردهایش را شرح داد، علماء و روحانیت از روند مسیحی سازی و مسیحی گرایی تقصیلاً مطلع شدند، اما تا هنوز کدام برنامه‌ی عملی و سودمند از سوی شورای علمای شیعه صورت نگرفته، همچنین قبل از ظهر روز پنج شنبه ۲۰ جوزا جلسه مشورتی با حضور شخصیت‌های برجسته علمی و سیاسی و برخی نمایندگان مردم از شورای ملی و سنا در مرکز بنیاد تشکیل جلسه داده و پس از بحث و تبادل نظر شخصیت‌ها، پیشنهاد گردید تا در این راستا کمیسیونی ایجاد گردد، ریاست کمیسیون به انجنیر احمدشاه احمدزی رهبر حزب اقتدار اسلامی واگذار شد و اعلان گردید روز شنبه ۲۲ جوزا برای ادامه فعالیت و برنامه‌ریزی نشستی صورت گیرد، در جلسه روز شنبه در مورد ساختار و برنامه‌های بعدی کمیسیون بحث صورت گرفت و به اتفاق آراء فیصله شد که آن مجموعه تحت عنوان «مرکز دفاع از ارزشهای دینی و مبارزه با جریان‌های انحرافی» به ریاست انجنیر احمدشاه احمدزی و حجت الاسلام والمسلمین آقای هادی رئیس بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> به عنوان معاون و پوهنمل نسیم فقیری رئیس دارالانشاء جمعیت اسلامی بعنوان منشی انتخاب گردید، در همین جلسه فیصله صورت گرفت تا در اخیر هفته جاری گردهمایی مردمی جهت محکوم نمودن و شناساندن مبلغان مسیحیت تشکیل گردد.

لذا من بعنوان یک مسلمان و شهروند این کشور تأکید می‌دارم، باید تمام مواردی که شناسائی می‌شود از ریشه خشکاند و زمینه گسترش آن را هرچه عاجل با اقدام فوری، قاطع و بدون در نظر داشت ملحوظات سیاسی از بین برد، در غیر آن کسانی که دست به همچو اقدامات می‌زنند جسورتر گردیده و زمینه فعالیت‌های خود را گسترش خواهند داد و پس از مدتی مستقیماً علیه دین حیاتبخش اسلام موضع می‌گیرند؛ هرچند در افغانستان ۹۹٪

مردم آن مسلمان و دين اسلام از جاىگاه مقدسى در اين كشور برخوردار بوده و براى كمرنگ نمودن اعتقادات دينى مردم كفار و منافقين تلاش هاى فراوانى داشته و اما بجاي نرسيده اند، امروز نيز نفاق افكنان هرگز نمى توانند به بهانه هاى مختلف مذهبي، قومى و سمتى موفق شوند كه ارزش هاى دينى را از اين جامعه بردارند و پروردگار عالميان در كلام نوربخش خويش وعده فرموده: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْتِي اللَّهَ إِلَّا أَن يُنمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» همانگونه كه در صدر اسلام پيامبر اعظم(ص) و ديگر بزرگان دينى مورد اتهامات كفار و منافقين قرار داشتند، امروز نيز ابوجهل و ابولهب ها فرزندان پيامبر بزرگوار اسلام(ص) را با عناوين مختلف مورد تهمت و اذيت قرار مى دهند، در حاليكه زريه رسول خدا(ص) مشاهير و بزرگانى چون؛ علامه سيد جمالدين حسيني افغانى، آيات عظام ميرعلى احمد حجت كابلى، سيد محمد سرور واعظ شهيد، علامه شهيد سيد اسماعيل بلخى و دهها شخصيت ديگر كه هر كدام در جامعه به دفاع از ارزشهاى دينى مصدراى خدمات فراوان گرديدند و مردم مسلمان اين كشور مديون تلاش هاى آنان هستند و بيارى پرور دگار اين گونه تبليغات زهرآگهين بر اعتقادات و ارزشهاى دينى توسط كسانيكه با لانه هاى فساد اخلاقى و ميخانه ها سرو كار دارند اثر گذار نخواهد بود

پارلمان افغانستان پس از افزايش روند مسيحيت سازى در افغانستان، وزير امور داخله و رئيس امنيت مى و وزير اقتصاد به مجلس فراخوانده شده بودند تا درباره فعاليت هاى مسيحى سازى موسسات خارجى در افغانستان جواب بدهند. گزارش اين مقامات نشان مى دهد كه تعدادى از اين موسسات تعطيل شده اند و برخى هم تحت نظارت است. حرف امر الله صالح اين بود كه عمدتاً اين كار فعاليت استخباراتى برخى كشورهاي همسايه در تقابل با كشورهاي غربى فعال در افغانستان است. آن طرفش هم مى تواند درست باشد كه موسسات خارجى با مسيحى سازى جوانان كشور ما، از آنها سوء استفاده استخباراتى كرده باشند. ظاهر ماجرا از اين قرار بوده كه آقاى سيدمحمدهادى هادى رئيس بنياد فرهنگى پيامبر اعظم در كابل به شخصى به نام احمدشاه رجا وظيفه مكتوب داده تا درباره فعاليت هاى موسسات خارجى در زمينه مسيحى سازى افغان ها تحقيق كند. وى وارد كار شده و به كليساهاى مخفى تاسيس شده توسط موسسات خارجى شامل گرديده و با جلب اعتماد آنها گزارشى تهيه نموده است اما ناگهان گزارش تصويرى فعاليت اين كليساها از يك تلويزيون

خصوصی نشر گردید و ماجرا داغ شد. اعتراض وزیر داخله در جلسه علنی مجلس این بود که این بنیاد قانون را به دست خود گرفته و بدون اطلاع نهادهای امنیتی کشور وارد این ماجرا شده است. اما گویا این آخرین حضور حنیف اتمر و امر الله صالح در مقام های شان در مجلس بود<sup>۲</sup>

### مسیحیت در افغانستان (گزارش ویژه)!

به خانه ای مورد نظر در ساحه ای کارته ۴ رفتیم، در اتاق ما را راهنمایی کرد، مردی به سن ۳۵ ساله آنجا نشسته بود. معرف ما؛ مرا به او معرفی کرد و او را نیز به نام « رستم خان » از تاجکستان که ظاهراً یکی از معلمین تدریس مسیحیت در کابل بود به ما معرفی کرد. بعد از چند دقیقه ۶ تا جوان دیگر نیز وارد شدند و با هم معرفی شدیم. معلوم شد که همه آنها از دانشگاه کابل است و از ملیت های مختلف لحظه ای بعد دو جوان دیگر وارد شدند که آنها نیز محصلین پولی تخنیک کابل بودند، نشستند و با هم معرفی شدیم.

در وسط اتاق میزی به بلندی ۴ سانتی مت و درازی ۲ متر و عرض یک متر قرار داشت، و اطراف آن را با تشک و بالشت آراسته بودند لامپی کم نوری در سقف آویزان بود.

همه دزدانه به یکدیگر نگاه می کردیم که آیا همدیگر را می شناسیم یا نه، دقایق بعد چای و کلچه و بعد هم میوه آوردند فضای معنوی و فکری اتاق دلهره آور و دلتنگ کننده بود، خوب حس می شد که همه احساس گناه می کنند و از همدیگر خجالت می کشند. برای خودم احساس عجیبی پیدا شد که چرا...؟

چرا یک نسل به تباهی کشانده می شود، و چرا یک کتله ای عظیمی از جوانان مسلمان وطن ما که در دامن پدر و مادر مسلمان پرورش یافته اند دارند در کام مسیحیت منحنط فرو می روند و صدها چرا های دیگر در مغز و ضمیرم خلجان میزد. بهر صورت تنها کسی که در این اتاق خوشحال و برنده بود، رستم خان بود که توانسته بود یک عده جوان مسلمان را به باور های مذهبی شان بی باور بسازند و به اعتقاد جدید برسانند.

---

<sup>۲</sup> به نقل از سایت منبر.

رستم خان بعد از چند دقیقه و صرف چای ما ها را به شکرگزاری و با دعای مراسم شکرگذاری از خداوند را بجا آورد ، و سپس به همه ما ها یک یک جلد کتاب مقدس توزیع کرد ، به گفتن سه مرتبه (هلولویا) شروع بدرس نمود . ساعت تمام سخنان او را گوش دادیم ، و او همه را از کتاب مقدس ( انجیل ، عهد جدید) برای ما ها خوانده و تفسیر و تحلیل میکرد . حرفهای مزخرف و بی محتوای یزادی را گوش دادیم قطع نظر از مسائل اخلاقیات آن تعریف او از خداوند سه گانه که عبارت از پدر ، پسر و روح القدس باشد خیلی غیر عقلی بود .

و این حرف برای مسلمانان که یک عمر به خدای واحد ایمان و باور داشتند و عیسی را صرف پیامبر می دانستند خیلی غیر منطقی و غیر منتظره بود . و جالب اینجا بود ، که کسی اعتراض به این مسئله نکردند و من خواهان توضیح بیشتر شدم ، که او در باره توضیح داد و همان حرفهای اول را تکرار نمود وقتی بار دیگر توضیح خواستم موکول به جلسه ای بعد نمود . ساعت درسی ما پایان رسید ، ما باید از اتاق خارج می شدیم از اینکه گروه دیگری در راه ود که باید پای درس بیایند . آن روز روز عجیبی بود و نقطه ای عطفی در زندگی ما .

اتاق درس را ترک کردیم همه بسوی رفتند و من و دوستم نیز حدوداً صد متر دور رفته بودیم اما سراپا از نفرت و ذلت پر شده بودیم و چراها و سوالات عجیبی دور سر ما می پیچید ، خیال میکردیم که بعد از یک جنایت بزرگ و نابخشودنی بر می گردیم که واقعاً برای کسانی که با انگیزه ای واقعی مسیحی شدن رفته بودند فاجعه به حساب می آمد ، اینجاست که بنیاد اعتقاد بلرزه در می آید و دیوار های ایمان و اعتقاد بخداوند یکتا به فرو ریختن می نشیند .

خواننده محترم دقت نمائید مسئول کیست ؟

نگاه من و دوستم با هم تلاقی کرد ، با آنکه آگاهانه وارد این بازار شده بودیم ، اما از همدیگر خجالت میکشیدیم خنده ای زهر آگین لبان ما را باز کرد در این نگاه و این خنده صدها سوال نهفته بود که از خود ها می کردیم که یعنی چه ؟

گر چه ما ها از اول با این انگیزه وارد شده بودیم که معلومات شخصی خود ها را در این مورد در راستا روند مسیحی شدن جوانها و دست های پشت پرده این پروسه و انگیزه جوانان جهت پیوستن به آنها را تکمیل نمائی و ما قبلاً جریان را شنیده بودیم خواستیم که از نزدیک شاهد این ماجرا باشیم ، کار خیلی عادی به نظر می آمد اما بعد از بیرون شدن از این گندآب سراسر روح و روان ما را نفرت و انزجار پر کرده بود شدیداً احساس گناه می کردیم .

بعد از حالت کدای قطرات اشک روی گونه های دوستم لغزیدن گرفت لحظه ای کنار دیوار کوچه کارته ۴ با هم گریستیم بیش از این نه می توانم احساس خود را در آن لحظه ای فراموش نشدنی بنویسم .

دلیم بود در آن لحظه فریاد بزنم ! داد بکشم و هیاهو راه بیندازم و با تمام نیرو بگویم

مسئول کیست ! و چرا ؟

کجا هستند آنهای که یک عمر سنگ حراست از مرزهای ایدولوژی اسلامی را به سینه می زنند کجا هستند آنهای که یک عمر از سفره ای اسلام تغذیه کردند و بنام حامیان عقاید شعار می دادند کجا هستند آنهای که در شهر های قم و مشهد بعنوان طلبه و آخوند و اسلام شناس و مبارز می لوانند و عیش نوش دارند و فکاهی می گویند و زندگی شان از پول امام زمان بیمه هستند ؟

و کجا هستند رهبرانی دینی و مذهبی که برای دین می گویند می میرند ؟

کجا هستند پدران و مادران مسلمان که انحرافات عقیده ای و اخلاقی اولادشان را متوجه نیستند و صدها چراهای دیگر .... آری ! امروز یک نسل در حال تباه شدن و سوختن است یک نسلی که امید آینده ماست دارد نابود می شوند و دودش از هواکش های کلیسا های مخفی کابل و مزار و جلال آباد و قندوز و بامیان به آسمان بلند است .

نسلی که ارتباط دهنده ای گذشته به آینده ای این سرزمین است ، دارد هویت عوض می کند و به بی باوری اعتقادی و شخصیتی رسیده اند . و این یکی از ده ها پدیده ای شومی است که بدنبال دموکراسی دورغین غربی به کشور و بخصوص کابل پایتخت آمده است ، لانه های فساد اخلاقی ، میخانه های متعدد شهر نو ، گیسست هاوس های کابل و نایت

كلب های شبانه كابل كاملاً فرایند این موكراسی منحن می باشد كه دارد به يك فرهنگ تبدیل می شود ، و اصالت دینی و فرهنگی كابل نشینان مسلمان را بخطر انداخته است .  
نه تنها دود سوختن جوانان از كلیسا ها به مشاهده می رسد بلکه بیشتر در میخانه ها و لانه های فساد موسسات خارجی شعله ورت می سوزند .

خلاصه اینکه : ۳ هفته ۴ شنبه ها در این مركز كه در ساحه كارته ۴ كابل بود با دوستم آمدیم ، به درس های آنها گوش می دادیم !

در این ۴ جلسه با تمام رفقای همدرس آشنا شدیم !  
و در جمع این دوستان کسی بود بنام ذکی كه تازه از كلیسای بزرگ دهلی جدید آمده بود و بیشتر مشوق جوانهای محصل دانشگاه های كابل به این گونه مراکز بود كه بعد از صحبت كردن با او به مطلب ذیل پی بردم .

ایشان از هند دستور را از كلیسای دهلی نو برای جذب افراد فرستاده شده بود و در كابل به يك خانم تایلندی معرفی شده بود كه كارهای جذب افراد را به كمك و راهنمایی این خانم انجام می داد و نام ظاهری این خانم بیجن بود كه از صلاحیت فوق العاده در شفاخانه كیور بر خوردار بود كه صلاحیت جذب افراد یا پرسونل داخلی شفاخانه بعهدہ ایشان بود .

و خانم متذکره او را به چند خارجی دیگر كه صاحبان كلیسا بود معرفی کرده بود كه ماها بواسطه ای او توانستیم ۷ تا كلیسای خانگی را كشف و جستجو نمائیم كه ۳ تا كلیسا در كارته ۴ كابل و ۲ باب كلیسا در كارته ۳ كابل و ۱ كلیسا نسبتاً بزرگ در سرک ۴ سیلوی مرکزی كابل و ۱ باب كلیسای دیگر در ساحه ای پل خشك در غرب كابل موقعیت داشت .

و معمولاً جشن « كرسمس » سال ۲۰۰۸ را بما اطلاع دادند كه هیئت بلند رتبه از كلیسای مرکزی او كراین بعد از چند روز از او كراین میرسند و از كلیساهای كابل و قندوز و بغلان دیدن می كنند .

در روز ۱۰ ثور ۱۳۸۷ هیئت متذکره متشكل از دو مرد یکی آمریکائی بنام «برد» و دیگری او كرابینی بنام گریگوری بودند كه آنها مدت ۴ شبانه روز در كابل بودند كه شبی

آنها به تازه مسیحی شده گان کابل در هوتل نگین آسیا مهمانی مفصل دادند، که عکسهای از آنشب نیز موجود است .

بعد از صحبت های مفصل با آنها بما ها پیشنهاد شد که به تعداد ۱۲ نفر را آماده سازیم تا آنها از طریف دولت اوکراین برای این دوازده نفر دعوت نامه بفرستند و این ۱۲ نفر باید به کلیسای اوکراین بروند و آنجا به مدت ۲ سال درس بخوانند بعدا با گرفتن دوکتورا در رشته کتاب مقدس و تعلیم آن به افغانستان بر گردند که به ارشاد و تعلیم مسیحیت بپردازند که جزئیات این موضوع از حوصله ای یک گزارش کوتاه بیرون است که در موقع از آن مفصل یاد آوری خواهد شد .

در ضمن مراسم ! یکعده از جوانان خواهش کردند که باید « برد » و گریگوری آنها را (تعمید) بدهند که آنها نیز با خوش حالی پذیرفتند، و تقریباً ساعت ۱ بعد از نیمه شب بود که در کارته ۳ در یک منزل در سرک شورای ملی که ظاهراً محل پروسس « سویا » بود، و یک نفر کوریانی آنرا مدیریت میکرد آمدیم و یکی از دانشمندان جوان کشور را پنهان از چشم آنها بنام استاد رضوی را نیز دعوت کرده بودیم که تا جریان را از نزدیک ببیند . کسانی که تعمید می گرفتند در سالون کارخانه پروسس سویا هدایت شدند و بعد از مراسم دعای مخصوص بنام عیسی مسیح شروع به غسل تعمید آنها نمودند .

بدین شکلی که با ریختن یک سطل آب بر سر افراد به آنها به رغم خودشان زنده گی دوباره بخشیدند و میگفتند که یک انسان با گرفتن تعمید مثلی طفلی است که تازه از مادر تولد شده باشد پاک و منزّه است و گناهان قبلی این انسان هر چه برگ باشد بخشیده می شود .

بلی آنها را یکایک بنام عیسی مسیح فرزند خدا تعمید دادند و این دانشجویان بسیار با شوق و ذوق تمام از این مراسم عکسهای یادگاری گرفتند که این عکسها موجود است، مراسم تمام شد عده ای از اسلام و دین محمد (ص) خداحافظی کردند و به دین جدید عیسویت پیوستند .

استاد رضوی را دیدم که در گوشه ای تاریکی نشسته و به تلخی گریه می کند، مراسم خاتمه یافت بعد از چندی با کمک سائیر شاگردان که فعلا به هم اعتماد کرده بودیم به بهانه های متعدد از کلیسا های خانگی کابل بویزه غرب کابل که ساحه بود و باش ما بود

دیدن کردیم از ۷ تا کلیسا دیدن کردیم که آن کلیساها نیز برنامه های مشابه داشتند، و شاگردانی از کتله های قومی مختلف در آن جاها آمد و شد داشتند یکی از صاحبان کلیسا مردی سیاپوست آمریکائی کینیایی الاصل بود وی بسیار خشن جدی و متعصب بود، که دو منزل در ساحه ای کارته ۳ داشت و مجرد زندگی میکرد یکی ساحه ای کار و دفترش بود و دیگری منزل رهایشی او در منزل رهایشی او ۴ نفر نوجوان بین سنین ۱۳ - ۱۷ ساله زندگی می کردند که این نوجوانان از ساحه ای مالستان ولایت غزنی بودند که به قول خودشان دو نیم سال است که با این مرد زندگی می کنند و مکتب هم میروند و میخارج معمولی هم دریافت می کردند به نظر میرسید که این ۴ تا نوجوان با روحیه ای کاملاً شکسته و وجدان مرده مجبوراً چون زندانیان اینجا زندگی می کنند اما چه علتی آنها را آنجا نگه داشته بودند، و به آنها امید بخشیده بود تا به فردای بهتر برسند ۲ نکته را دریافتم ۱ فقر آنها بود که این نوجوانان هزینه تحصیل و معیشت نداشتند.

۲ نوید دادن آنها به رفتن در خارج بود که تایو سیاه پوست به بهانه ای بردن آنها بخارج آنها را زمین گیر این لانه ای چهنمی کرده بود .  
کاملاً غرور آنها شکسته بود و آثار تردید و ترس کاملاً از چهره ای آنها هویدا بود، آنها چون غلامان خریداری شده ای می ماندند که با هر صدای تائو از جا می پریدند اما با آنها نه می خواستند آنها را ترک کنند .

و یکی از کلیسا های دیگر در ساحه ای پل خشک دشت برچی موقعیت دارد که آنها درسهای کتاب مقدس انجیل را بطور سیستماتیک و دقیق می آموختند و هر چند ماه جای خود را عوض می کردند و می شنیدیم که در نقاط مختلف کابل ده ها کلیسا وجود دارد که ما موفق به بازدید نشدیم و شاید هم صدها جوان پس مسئول کیست و مسئولیت چیست؟

و لازم است که در اینجا از بنیاد فرهنگی و تبلیغی پیامبر اعظم قدردانی لازم به عمل آوریم که ماه ها را در این راستا ارشاد و کمک فرمودند و جواز لازم را به ما ارائه دادند و انشاء الله آرزومندیم که عمیقاً به پدیده شوم مسیحی سازی توجه شود و این عمل نقطه عطفی در تاریخ کشور ما گردد .



و این موضوع را با شخصیت‌های دیگر مذهبی و اسلامی نیز که عصیبت دینی را در آنها احساس کردیم در میان گذاشتیم که آنها از حل این معما ظاهراً طفره می رفتند و یا واقعاً نمی توانستند کاری نمایند و به دست یکی از دوستان گزارش مفصلی از وضعیت موجوده نوشته همراه با عکس و سی دی در قم فرستادیم تا روحانیت با احساس آن منطقه را از موضوع و روند مسیحی سازی و مسیحیت گرایی آگاه سازیم که هنوز هم خبری نشده .  
و به نکته اساسی دیگری نیز باید توجه شود که چرا جوانها اینقدر علاقمند مسیحی

شدن شده اند؟

و موضوعی را می توان در چند نکته خاصه کرد .

#### ۱- فقر فرهنگی و دینی !

جوانهای کابل اکثر از دین اسلام به اندازه که لازم است آگاهی ندارند .  
آیا ؟ علمای ما الحق نتوانسته اند که اسلام را بصورت واقعی آن ، بجوانها تفهیم نمایند .  
و همچو برنامه را هم هیچ ارگان اسلامی ندارند که تا بطور سیستماتیک در بین نوجوانان کار کنند و اگر هم هستند بسیار کم و ناچیز است نمی توان خدمات ارزنده موسسه توانمند خاتم النبیین را به رهبری حضرت آیت الله محسنی نادیده گرفت .  
که الحق به اندازه ای توان خود در راستای شناخت معارف اسلامی برای مردم زحمتی بزرگی را عهده دار است .

تقریباً ۱ میلیون جوان و نوجوان در مکاتب و دانشگاه های کابل مشغول تحصیل است که بیشتر از ۹۰٪ آنها از محتوای دینی که به آن باور دارند بی خبرند ، و تنها از اسلامی آگاهی به نماز و روزه آنها بطور عادت و یا تقلید از پدر و مادرشان اکتفا کرده اند .  
و ثانیاً حکومت چند ساله طالبان عده ای را از اسلام دور و بی باور ساخته اند زیرا خواندن نماز به زور شلاق و اکثراً بدون وضو و طهارت .....؟ چه مفهومی را میتواند داشته باشد که آنرا هم می توان دقیقاً نقشه ای استعمار آنروز دانست ، که با اسلام و مسلمین اینگونه عمل کردند .

۲- فقر مادی ! فقر مادی و بیکاری جوانان بعد از پایان تحصیلات عالی علت دیگری در این راستاست زیرا موسساتی که در کابل است چنین برنامه دارند تا کسی مسیحیت را قبول نداشته باشد ، در این موسسات به آسانی بکار گرفته نمی شوند .

مثل شفاخانه کیور در دارالامان و موسسه ای m c I و گاه‌ها خود شفاخانه ای صلیب

سرخ وقت ....

۳- کم کاری علما و دانشمندان! حضور کمرنگ روحانیت و دانشمندان اسلام شناس.....؟ حضور روحانیت در کابل بسیار بی مزه و مرده است و هیچ گونه برنامه موثر و پویا در راستای شناخت معارف اسلامی خصوصاً در بین جوانان ندارند و بصورت سنتی فقط به پیش نماز بودن و تلقین و ختم قرآن و نماز اجاره ای و اجرای برنامه ده شب محرم و امثالهم می پردازند و بس.

علماء و روحانیت اگر چه از روند مسیحی سازی و مسیحی گرایی اکثرأ مطلع هستند اما تا هنوز کدام برنامه ای اجرایی سودمند ارائه نداده اند .

چه بجا بود که روحانیت و اسلام شناسان بیدار و این پاسداران مرز های ایئولوژیک اسلامی با سمینار های و گرد هم آئی ها چاره ای برای این درد می جستند و مرهمی برای این زخم های چرکین که حیات و هویت دینی و ملی جوانان را شدیدأ تهدید می کنند بیانند .

قابل تذکر است که بعد ۱۳۸۰ این روند در افغانستان به شدت ادامه دارد و قبل از سال ۱۳۸۰ نیز این روند در پشاور و کوئته پاکستان ادامه داشته است .

که طبق گزارش ها تعداد افرادی که بین سالهای ۱۳۶۰ الی ۱۳۸۰ چه در کوئته و چه در پشاور به شبکه های مسیحی سازی پیوسته و اکثرأ هم هموطنان ما افغانی ها بوده به ۸۰۰ هزار نفر تخمین زده شده است .

تو کلت علی الحی الذی لا یموت

گزارش از: احمد رجاء و عابدین خلوصی ۱۳۸۷/۳/۵

### افغانستان آماج تهاجم فکری غرب

اینکه افغانستان بحران زده نیز از گزند فکری این ها در امان قرار نگرفته است و در روزگاران جهاد و پس از روی کار آمدن رژیم هسته یافته از توافق بن، فعالیت های دستگاه مسیحیت با کاربست راهکارها و راهبردهای گونه گون و با بهره جستن از وضعیت بحرانی و تیره ی افغانستان و با استفاده از فقر و تهیدستی افغان ها شدت و سرعت یافته است. در واقع می توان گفت که یکی از اهداف و خواسته های استعمار سفید امریکا و هم پیمانان

اروپائيش در جنگ افغانستان بسترسازى و ره همواره كردن براى همين گسترش باورهاي انحراف مسيحيت در اين سرزمين است، شما شاهد گزارش شبكه خبرى الجزيره بوديد كه پرده از فعاليت هاي تبشيري و تبليغ مسيحيت برداشت و در آن گزارش آمده بود كه يك نظامى سابق امريكا در افغانستان تصاويرى را منتشر كرد كه اقدامات و كردكردهاي سربازان امريكا مبنى بر گسترش و تبليغ مسيحيت را نشان ميداد، برايان هيوز نظامى امريكا و كارگردان فيلم مستند «ماموريت ديگر در حمله به افغانستان» تصاوير و عكس ها انجيل ها و سربازان امريكايى در پايگاه هوايى بگرام را به نمايش گذاشت به اسا گزارش شبكه الجزيره در اين تصاوير گفت و گوى هاي دونظامى امريكايى را نشان ميدهد كه به فعاليت تبليغى مسيحيت خارج از چارچوب ماموريت نظامى خود پرداخته اند.

ارتش امريكا بلا فاصله اين خبر را رد كرد و اعلام كرد كه امريكا براى ارتش خود در افغانستان اجازه نمى دهد كه نسخه هاي فارسى و پشتو انجيل را توزيع نمايند. بر بنياد گزارش الجزيره اين اعلام نيروهاي امريكا در افغانستان در حالى صورت گرفت كه برخى سربازان امريكاي اعتراف دارند و افتخار مى كنند كه در صدد شكار مردم افغانستان براى حضرت مسيح هستند.

در اين اواخر سرهنگ مارك رايت نظامى امريكايى در افغانستان اعتراف نموده است كه انجيل هاي ترجمه شده به فارسى و پشتو كه از سوي يك كليسا در امريكا به افغانستان فرستاده شده بودند حدود يك ساب قبل در پايگاه هوايى بگرام توقيف شدند. به گزارش سى ان ان دگر جنرال مارك رايت اظهارداشت كه چنين رويكرد مذهبي سربازان و غيرنظاميان امريكايى را در افغانستان به خطر مواجه مى سازد وى مى گويد كه اين تصميم اجبارى بود.

### تهاجم فرهنگى غرب در افغانستان روبه شكست است

حجت الاسلام والمسلمين حاج آقاى هادى بارها در رسانه ها تصريح كرد: رسانه هاي كشور خواست تا با درك مسئوليت و رسالت دينى كه دارند از ارزشهاي اسلامى دفاع نمايند، در حقيقت امروز مركز تجارب فرهنگى افغانستان در حال رشد است، چنانچه تلاش نسل جوان كشور در راستاى فراگيرى فرهنگ اسلامى بيانگر رشد فرهنگى و دينى مردم اين كشور مى باشد، تهاجم فرهنگى بيگانگان كه در افغانستان دامن زده مى شود،

جوانان را بیشتر تحریک به سوی فراگیری فرهنگ اسلامی کرده است. این مطلب از سوی سید هادی هادی در پاسخ به این سوال که وضعیت فرهنگی کشور را چگونه دیده و تهاجم فرهنگی دشمن به چه میزانی است عنوان نمود.

بربنیاد گفته های این عالم دین، با دامن زدن و گسترش فرهنگ بیگانگان در کشور، مردم مسلمان افغانستان تسلیم فرهنگ بیگانه ها نشده و نخواهند شدند، بلکه آمادگی آنان بیشتر از گذشته در راستای فراگیری علوم اسلامی و دینی شده است، و این بیانگر رشد وضعیت فرهنگی مردم نسبت به گذشته در حفظ فرهنگ اسلامی شان می باشد.

رئیس بنیاد فرهنگی تبلیغی پیامبر اعظم (ص) که در یک گفتگوی اختصاصی با خیرگزاری صدای افغان (آوا) صحبت می کرد گفت: تعدادی از کشورهای غربی با سرمایه گذاری هنگفت وارد میدان شدند تا از طریق رسانه های تصویری، صوتی و... مردم افغانستان را به سوی گمراهی بکشاند که خوشبختانه با گذشت زمان در این راستا موفق نبوده و هیچ تاثیر منفی نداشته است.

وی افزود: ما معتقد هستیم به هر اندازه ی که کشورهای غربی به ترویج فرهنگ شان در افغانستان تلاش نمایند مردم مسلمان این کشور بیشتر به فرهنگ اسلامی روی می آورند، همانطوری که تجاوزات نظامی کشورهای غربی در افغانستان رو به شکست است، تهاجم فرهنگی شان نیز رو به شکست بوده و خواهد بود.

به گفته وی، شورای اخوت اسلامی افغانستان متشکل از تشیع و تسنن به منظور جلوگیری از گسترش فرهنگ بیگانگان در کشور تاسیس شده از گذشته کرده در حال حاضر بیشتر آمادگی دارند که از باور های دینی و اعتقادی مردم مسلمان افغانستان دفاع نمایند.

وی با اشاره به نفوذ دین مسیحیت در کشور، گفت: در راستای گسترش تبلیغات مسیحیت که امروز در کشور مطرح است از سوی غربی ها سرمایه گذاری زیادی صورت گرفته و نوع برنامه های شان را می دانیم، که متأسفانه بعضی از افرادی که از دین اسلام منحرف شده و به دین مسیحیت گرائیده اند بیشتر به دلیل فقر اقتصادی و فراهم شدن کار و سفر به امریکا و اروپا می باشد.

وی تصریح کرد: با وجود مصارف گزافی که از سوی کشورهای غربی صورت می‌گیرد باز هم موفقیت در راستای تبلیغات دین مسیحیت نداشته اند. به گفته آقای هادی، شورای علمای افغانستان اقداماتی را در راستای جلوگیری از چنین موارد انجام داده و تلاش می‌شود تا شبهاتی که در دین مقدس اسلام به وجود می‌آید از بین برده شود.

وی، از رسانه‌های کشور خواست تا با درک مسئولیت و رسالت دینی که دارند از ارزشهای اسلامی دفاع نمایند، چنانچه تهاجم فرهنگی غرب در افغانستان محکوم به شکست است و مردم این کشور دین‌گریز نیستند و نخواهند بود، و هیچ دین دیگر را نمی‌پذیرند و تحت تاثیر فرهنگ‌های بیگانه نخواهد رفت.<sup>۳</sup>

## آونگ از صلیب شکسته

طاها

افغانستان سرزمین تناقضات آشکار و ناهمگونی‌های غیر قابل انکار در رویکردهای سیاسی، دینی و اجتماعی است. در این کشور همه‌ی پدیده‌های ناهمگون و ناهمخوان بیگانه و بی‌ربط با یکدیگر در کنار هم قرار می‌گیرند و بی‌آن که کمترین تقابل و تباینی میان خود ببینند به تعامل و دوشادوشی و پا به پای با یکدیگر می‌پردازند. این، ویژگی رفتاری منحصر به فرد افغانستان است. نماز گزاردن و آدم کشتن، حج رفتن و غارت بیت المال، شراب نوشیدن و روزه گرفتن؛ همزمان و توسط یک فرد به گونه‌ای انجام می‌شود که گویی به تعداد این همه کار، افراد انجام دهنده وجود دارند.

تلویزیون خصوصی نورین همزمان با دم زدن از جهاد و نمایندگی از مجاهدین، در تبلیغ فساد اخلاقی و اجتماعی همان کاری را می‌کند که اگر همه‌ی مسیحیت با تمام امکانات و ابزارهای تبلیغی و رسانه‌ای خود پشت در پشت یکدیگر بایستند، قادر به انجام کار این شبکه‌ی تلویزیونی نخواهند شد.

---

<sup>۳</sup>. خبرگزاری صدای افغان (آوا).

بسیار جالب است که این تلویزیون تا رسیدن زمان دفاع از اسلام و مبارزه با جریان مسیحی سازی در افغانستان در پوشش برنامه ای که هر چیزی هست الا برنامه ی تلویزیونی، به پخش رقص و سکس و ابتذال می پردازد اما به دنبال آن و بدون وقفه، کسی که نماد بارز نابخردی و نمونه ی کامل نابرخورداری از اخلاق و تربیت انسانی و اسلامی است در سیمای مدافع مرزها و ارزش های دینی اسلام ظاهر می شود و هر آنچه از خزعبلات و اباطیل و اراجیف که می خواهد می گوید و نامش را می گذارد دفاع از اسلام. این در حالی است که به اصطلاح مجری مثلا این برنامه، فردی معلوم الحال است و به هیچ یک از ارزش ها و اصول اسلام پایبند نیست.

این غیر از برخورد تخصصی با برنامه سازی رسانه ای است. در رسانه های افغانستان آنچه اولویت نخست شمرده می شود شکار مخاطب به هر بهای ممکن است. حتی اگر منافع ملی ما نیز در معرض آسیب های جدی قرار بگیرد و با دین مردم و ارزش های اعتقادی آنان معامله صورت بگیرد مهم نیست. مهم آن است که فلان رسانه در کار جذب مخاطب و نشان دادن مردم در پای گیرنده های خود درصد بالایی از موفقیت را به دست بیاورد.

به همین جهت است که تلویزیون نورین به عنوان یک رسانه شکست خورده در حوزه کار اصولی و معیاری رسانه ای به هر خس و خاشاکی چنگ در می افکند تا با استفاده از نابخردی و بی سوادی برخی از مثلا مجریان خود همه ارزش ها و شخصیت های ارزشی کشور را هدف قرار دهد و با بستن اتهامات واهی و بی اساس به آنان، با اساسات ملی ما مبارزه کند.

در جامعه ی به هم ریخته و از هم گسسته ی افغانستان که فاصله ها و فتنه های اجتماعی مردم در حال شعله ور شدن است و هیچ چیزی به هیچ چیزی بند نیست؛ آیا این مسئولیت اجتماعی یک رسانه است که این شکاف ها و شقاق ها را بیشتر و گسترده تر سازد؟ معیارهای برنامه سازی تلویزیونی چیست و تا چه میزان در رسانه های ما و به ویژه در این تلویزیون و مخصوصا در این برنامه رعایت شده است؟ آیا یک ژورنالیست به هر طریقی باید حرف خودش را به کرسی بنشانند؟ آیا نباید در یک برنامه ی رسانه ای تمامی جوانب ماجرا را با بررسی موشکافانه و دقیق در نظر گرفت و پس از آن اقدام به تهیه

و تدوین و پخش داده ها و اطلاعات به دست آمده کرد؟ آیا نسبت جاسوسی دادن به چهره ها و شخصیت های جهادی و مذهبی، اطلاع رسانی دقیق و مسئولانه ی رسانه ای است؟

در کجای عالم دیده اید که در یک رسانه ی همگانی تا این میزان هتاکی و حرمت شکنی نسبت به افراد و اقوام صورت گرفته باشد؟

آیا تلویزیونی که اقدام به افشاگری در مورد روند مسیحی سازی در افغانستان کرده است خود مدیون تلاش ها و پیگیری های مسئولانه و دین مدارانه ی همین جریانی که اکنون قربانی هياهوگری های این رسانه هستند؛ نیست؟ این پرسش که نورین چگونه به این تصاویر دست یافته است همچنان با جدیت مطرح است؟ این تلویزیون که برای دوروز توانست خودش را از گمنامی و بی مخاطبی بیرون بکشد، چگونه توانسته است تصاویر مربوط به مسیحی سازی را به دست آورد؟

به علاوه آیا در این مملکت، یک رسانه این حق را دارد که هم کار رسانه ای و اطلاع رسانی کند و هم امور مربوط به دادگاه ها و مراجع قضایی و امنیتی را به پیش ببرد و به صدور حکم و فرمان و فتوا نسبت به افرادی که مأموریت شناسایی مراکز مسیحی سازی را بر عهده داشته اند؛ پردازد؟

آیا می توان برای دست یافتن به شهرت رسانه ای کاذب و مقطعی، وجهه و حیثیت افراد و اشخاص را هزینه کرد؟ تلویزیون نورین برای بعد از مسیحی سازی چه چیزی در چنته دارد که مردم را شیفته و فریفته ی خود کند؟

پس بهتر است این تلویزیون، به جای آونگ شدن از صلیب شکسته ی مسیحیت منسوخ، اگر سیاستگذاری های رسانه ای درازمدت دارد - که ندارد - به فکر برنامه های فردای خود باشد تا بازم بتواند مردمان هیجان زده و احساساتی را برگرد خود جمع کند.

نکته ی جالب اینجاست که مسئولین نورین با پیشینه و کارنامه ی آنچنانی، این کار را با توجیه دلسوزی به حال اسلام و مسلمین انجام داده و این حق را برای خود محفوظ می دانند که دست به اقدامات همه جانبه بزنند؛ یعنی هم کار رسانه و هم کار پولیس و هم کار قوه ی قضائیه را همزمان به پیش ببرند. اما به یک نهاد دینی - فرهنگی که در عین حال

عضو شورای علما نیز هست و از سوی این مرکز مسئولیت شناسایی حلقات و جریان های مبلغ مسیحیت را بر دوش دارد؛ این حق را نمی دهد.

بحث بر سر این است که اگر شهروندان افغانستان مسیحی شوند چه اتفاقی می افتد؟ مهم ترین اتفاقی که به دنبال گرویدن شهروندان این سرزمین به آیین مسیحیت می افتد آن است که سراسر جامعه را فساد فرا می گیرد. اما آیا پیش از مسیحی شدن افرادی از این مردم آیا این رسانه ها و از جمله نورین نبوده است که بی بند و باری اخلاقی را در میان جوانان و خانواده های مسلمان این سرزمین دامن زده است؟

این تلویزیون به راستی اگر دلسوز به حال اسلام در افغانستان می بود تنها باید به افشاگری و اطلاع رسانی در زمینه ی روند مسیحی در کشور بسنده می کرد. اما مشکل در اینجاست که نورین ضمن بهره برداری ایزاری از اسلام و دفاع از کیان دینی مردم ما، به یکباره و همزمان خود را به جای کل نظام سیاسی و امنیتی و قضایی افغانستان نشانده و به صدور فتوا و حکم شرعی و نظایر آن پرداخت.

با توجه به کارنامه ی این رسانه در مورد مثلا برنامه هایی که برای مسیحی ستیزی در افغانستان بخش کرده است؛ این سوال از نهادهای حکومتی مربوطه و از جمله وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت داخله و ریاست امنیت قابل طرح است که آنان بر پایه ی چه مجوزی برای تلویزیون نورین این مجال را فراهم کردند که با از گلیم خود فراتر بگذارد و همه کس و همه چیز را به چوب براند؟

### کی شود دریا ز پوز سگ نجس

(نگاهی به حرکت دین ستیزانه تلویزیون نورین در برنامه گفتگو با نجیب کابلی)

سید احمد موسوی مبلغ

در هر جامعه ای، کارکرد های اجتماعی، پیوند بسیار عمیق و محکمی با نوع جهان بینی انسان ها دارد و هر فردی، آن گونه که می اندیشد، فعالیت های اجتماعی و رویکرد های جمعی خویش را استوار می سازد.

این پیوند، به ویژه در جوامع اسلامی که دارای ویژگی های خاص ایدئولوژیکی هستند، به خوبی مشهود و نمایان است. بنابراین در جامعه اسلامی، به دلیل مشخص بودن



فاکتورهای کارد کرد اجتماعی که مبتنی بر جهان بینی اسلامی می باشد، کسانی که مغایر با این دیدگاه عمل نمایند به زودی شناخته شده و انگشت نما می شوند.

از سوی دیگر، قرآن کریم، به عنوان دستور جامع زندگی بشر در همه قرون و اعصار، معیارهای لازم برای بازشناخت سره از ناسره و نیز شناسایی افراد دین ستیز از دینمدار را در آیات مختلف خود با بیان گوناگون اعلام کرده و مسلمانان را به این معیارها توجه داده است.

از همین رو، جریان دین ستیزی که با حمایت و پشتیبانی غرب، مدتهاست در کشورمان به فعالیت آغاز کرده، جریانی نیست که از سوی ملت شریف و مجاهد افغانستان نا شناخته باشد.

سیر جریان دین ستیز، به گونه ای بوده است که با یک حرکت خزننده و آرام، اما برنامه ریزی شده و هدفمند، همواره تلاش کرده است تا اساس باورهای دینی مردم ما را مورد هجوم خود قرار دهد.

به نظر می رسد برخی از رسانه هایی که طی سالهای اخیر در کشور ایجاد شده اند، در راستای همین حرکت به وجود آمده و عملا در خدمت جریان اسلام ستیز قرار گرفته اند و به صورت ملموس و غیر ملموس، در جهت تخدیر اندیشه جوانان این مرز و بوم و سوق دادن آنان به سوی امیال و هوسهای شیطانی، سعی کرده اند.

بخش انواع فیلم های ضد اخلاقی و نشر و تولید موسیقی های خلاف شئون اسلامی از برخی رسانه های این چنینی، به عنوان مقدمه برنامه های بلند مدت آنان، به امری معمولی تبدیل شده است.

اما گویا که جریان دین ستیز فعال در کشور، تلاش دارد تا در آغاز مرحله ای دیگر از فعالیت های ددمنشانه خود، بخش دیگری از تفکرات ناب اسلامی را مورد هدف قرار دهد و به این منظور، از دو روش بهره گرفته است:

۱. اهانت به شخصیت های مهم دینی و مذهبی و علمای صاحب فتوا به عنوان کسانی که نزد مردم از جایگاههای ویژه ای برخوردار اند و می توانند در جهت گیری های اجتماعی و سیاسی مردم نقش فعال بازی نمایند.

اهانت به این شخصیت ها، گرچه که با اهداف دقیق و از پیش تعیین شده قبلی صورت گرفته است، اما در حال حاضر یقیناً به عنوان ابزاری برای محک زدن میزان پابندی مردم به مراجع دینی و علمای مذهبی تلقی می شود و چنانچه در این راستا، عکس العمل مناسب از سوی مردم دیده نشود، یقیناً مرحله بعدی فعالیت های دین ستیزانه خود را آغاز خواهند کرد.

۲. روش دوم، ایجاد تفرقه و اختلاف میان امت بزرگ اسلامی است. گروه های دین ستیز، در طول تاریخ زندگی بشر کوشش نموده اند تا با ایجاد تفرقه و نفاق میان جریان های خدا محور، از این طریق به آنان ضربه وارد نمایند. جالب این است که این دسیسه، بیشتر از خارج از مرزهای کشور اسلامی تدارک دیده می شده و در دو قرن گذشته نیز به عنوان یک اهرم جدی، بارها مورد بهره برداری قرار گرفته است. با استفاده از همین حربه، کشور بزرگ اسلامی، در طی سالهای گذشته به کشورهای بسیار زیاد تقسیم شد و مذاهب و حتی دین های انحرافی همچون بهائیت و ... در کنار مذاهب اسلامی رشد و نمو داده شدند.

نکته جالبتر این است که دشمن، همواره برای ضربه زدن به دین و مکتب، عواملی را به ظاهر از خود امت اسلامی در میان مسلمانان قرار می دهد تا با عناوین خیرخواهانه، جامعه اسلامی را به سوی آنچه که خود می خواهند سوق دهند.

خدای تعالی از این عوامل دشمن در میان امت اسلامی با عنوان منافقین یاد می کند و در بیان ویژگی های آنان می فرماید:

«الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (توبه/۶۷)

مردان و زنان منافق همانند و مشابه یکدیگرند، به کار بد فرمان می دهند و از کار نیک باز می دارند و از انفاق در راه خدا امساک می ورزند، خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را [از لطف و رحمت خود] محروم کرد، یقیناً منافقانند که فاسق اند.

بنابراین، مطابق گفته های قرآن کریم، اگر کسی از یک طرف شما را به سوی فسق یا به تعبیر قرآن کریم به سوی «منکرات» دعوت کرد (مثلاً در تلویزون خود، بدترین فیلم های ضد اخلاقی یا مستهجن ترین موسیقی های مخالف شرع را نشر نمود) و از سوی

دیگر، شما را از آنچه که خداوند آن را «معروف» می داند و به سوی آن امر کرده (نظیر داشتن وحدت و انسجام اسلامی و مخالفت و دشمنی با دشمنان دین خدا) نهی نمود، مصداق منافق خواهد بود.

خداوند متعال، در آیات دیگری از قرآن کریم، فعالیت های منافقانه این گونه افراد را، محکوم به شکست می داند و می فرماید:

«مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ \* صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (بقره/۱۷ و ۱۸)

سرگذشت آنان مانند کسانی است که [ در شب بسیار تاریک بیابان ] آتشی افروختند [ تا در پرتو آن خود را از خطر نجات دهند ]، چون آتش پیرامون شان را روشن ساخت، خدا [ به وسیله توفانی سهمگین ] نورشان را خاموش کرد و آنان را در تاریکی هایی که مطلقاً نمی دیدند واگذاشت \* کر و لال و کورند، به این سبب آنان از گمراهی و ضلالت به سوی هدایت و حقیقت باز نمی گردند.

البته خداوند متعال، ضمن هشدار به منافقین، جایگاه آنان را نیز در قیامت مشخص ساخته است:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ صَابِرِينَ» (نساء/۱۴۵)

بی تردید منافقان در پایین ترین طبقه از آتش اند، و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت و نیز می فرماید:

«بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء/۱۵۸)

منافقان را بشارت ده که عذابی دردناک برای آنان است. داشتن رویکرد منافقانه از کسانی که سالها علم مبارزه با مظاهر دین را به دوش گرفته و در راستای اهداف اسلام ستیزانه آمریکا و اسرائیل حرکت کرده و می کنند، خیلی جای تعجب ندارد، اما تاسف بار این است که گهگاه، این رفتار در میان کسانی دیده شود که انتساب به جبهه مجاهدینی دارند که سالها، جان خود را به کف گرفته و برای تعالی اندیشه ناب اسلامی، در برابر دژخیم ترین دشمنان دین و آئین مبارزه کرده اند.

در طول تاریخ اسلام نیز بوده اند کسانی که بخشی از عمر خود را صرف خدمت به دین و مکتب کرده اند، اما در لغزشگاه هایی که شیطان در مسیر راه آنها قرار داده، نهایتاً

نتوانسته اند کامیاب از امتحان الهی بیرون شوند و بر همین اساس، وظیفه دینی هر مسلمان است که در صورت برخورد با افراد یا گروه هایی که در معرض سقوط به پرتگاه جهنمی شیطان صفتان قرار دارند، امر به معروف نموده و آنها را از ادامه مسیر منکر و انحرافی شان نهی نمایند.

به همین لحاظ، با توجه به رویکرد غیر قابل انتظاری که از تلویزیون نورین، به عنوان رسانه ای که انتساب به سلسله جهاد و مقاومت اسلامی افغانستان دارد دیده شد، تصمیم گرفتیم تا بار دیگر سطور زیر را با هدف تذکری که نشأت گرفته از سر دلسوزی به دوستان است مرقوم کنیم.

تا چندی پیش از این تصور می کردیم که حرکت های غیر ارزشی و غیر اخلاقی تلویزیون نورین، در پیمودن مسیر دین ستیزی، یک اشتباه بوده و بر اثر غفلت برخی گردانندگان و کارمندان آن تلویزیون روی داده است.

تصور اولیه بر این بود که چنانچه تعمدی هم در کارکرد دین ستیزانه این تلویزیون دیده شده، صرفاً به دلیل خطای یک فرد جاهل و نادان بوده که ادبیات گفتمان درست و منطقی را بلد نیست و احیاناً از سوی دشمنان دین ستیز خارجی نیز فریب خورده و اصولاً سیاست گذاری کلان تلویزیون نورین، دنبال کردن مسائل اختلافی و مخالف شرع و شریعت نیست.

اما از زمانی که نجیب کابلی به عنوان مهمان برنامه «سرزمین من» در تلویزیون نورین؛ در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۲۵ حضور یافت و به صورت بی شرمانه، در پوشش مخالفت با جهت گیری های اسلامی هفته نامه انصاف، اقدام به اختلاف افکنی در میان امت اسلامی نمود، این ذهنیت برای بسیاری از اصحاب رسانه و آگاهان امور تقویت شده که پروژه اسلام ستیزی، به عنوان یک سیاست، در دستور کار تلویزیون نورین قرار گرفته و به همین لحاظ و در قالب یک پروژه هدفمند، پیوند کاری عمیقی نیز با تلویزیون امروز - که به عنوان یک رسانه کاملاً ضد ارزشی در جامعه ما شناخته می شود - ایجاد نموده است و خدا کند که چنین نباشد و مسئولین تلویزیون نورین، در اولین فرصت، از این رویکرد تبری جست و از پیشگاه ملت شریف و مسلمان افغانستان عذرخواهی نمایند.

آنچه که در گفتگوی میان مجری برنامه «سرزمین من» و نجیب کابلی به عنوان نقد مقالات منتشر شده در خبرگزاری صدای افغان (آوا) و رویکرد ها و جهت گیریهای هفته نامه انصاف و دست اندر کاران آن، روی داد، حاوی چند نکته مهم و اساسی بود که لازم دیدیم آنها را گوشزد نماییم.

در آن برنامه، نوک حمله و هجمه مجری و میهمان برنامه، به کارکرد های مجموعه خبرگزاری صدای افغان (آوا) به عنوان دومین خبرگزاری رسمی کشور و تنها رسانه بین المللی افغانستان و نیز هفته نامه انصاف (نشریه خبرگزاری صدای افغان) و همکاران فعال در این مجموعه متوجه شده بود و طی این تهاجم سعی شد، نوع اندیشه ای که اهالی این رسانه خود را ملزم به رعایت آن می دانند، مورد حمله قرار بگیرد.

گرچه که سخنان مجری و میهمان، سراسر نفاق افکنی و مخالف دستورات دین و شریعت بود، اما به دلیل محدودیتهای رسانه ای، فقط بخشی از آن را به نقد می نشینیم.

۱. در بخشی از سخنان مجری برنامه، تصریح می شود که خبرگزاری صدای افغان (آوا) و نشریه انصاف، عملاً در مقابل جبهه غرب در کشورمان فعالیت می کند و نجیب کابلی نیز در انتهای برنامه، ضمن تاکید بر اینکه مردم افغانستان باید از حضور غرب در کشور نهایت استفاده را ببرند، به این مطلب اشاره می کند که خبرگزاری صدای افغان (آوا) و هفته نامه انصاف، تلاش می کنند تا غرب، نتواند حضوری جدی در افغانستان داشته و نهایتاً مجبور شوند کشورمان را رها نمایند.

البته این هم آوایی مجری و مهمان برنامه "سرزمین من" در نوع اندیشه دست اندکاران خبرگزاری صدای افغان (آوا) و هفته نامه انصاف، که به زعم خود، خواسته اند کارکرد این دورساز را زیر سوال ببرند، دقیقاً مطابق همان چیزی است که هر انسان آزاده و مسلمان افغانستان نیز در پی آن است و فعالین فرهنگی و رسانه ای در این مجموعه نیز، بر اساس تکلیف شرعی و ایمانی خود به دنبال آن حرکت می کنند.

اما اینکه باید پرسید که به راستی منافع حضور غرب در کشور ما و دستاوردهای هجوم وحشیانه اینان برای هموطنان ما چه بوده است؟

آیا حضور غرب در افغانستان جز اینکه بر ویرانی های کشور ما افزوده و هر روز تعداد زیادی از هموطنان ما را به کام مرگ می برد، دستاورد دیگری داشته است؟

كدام امنيت در كشور ايجاد شده؟ در حاليكه مطابق اعلام وزارت دفاع در ابتداي همين هفته، از ۳۶۶ ولسوالي كشور، فقط ۹ ولسوالي امن بوده و بيش از صد ولسوالي، با خطر بسيار بالاي امنيتي مواجه هستند؟

كدام فعاليت اقتصادي در كشور به منظور بهتر شدن وضعيت معيشت مردم صورت گرفته و يا کدام برنامه بلند مدت براي بازسازي زير ساخت هاي نابود شده اقتصاد كشور سنجيده شده است؟ در حالي كه در هفته گذشته بعد از كشف معادن جديد در كشور، اعلام شد كه ذخاير معدني افغانستان بيش از سه تريليون دالر است، اما هنوز مردم سرزمين ما در بدترين شرايط اقتصادي به سر مي برند و طی ۹ سال گذشته، هيچ يك از كشورهاي حاضر در افغانستان، برنامه اجرائي براي بهتر شدن وضع زندگي مردم ارائه نكرده اند.

مگر نه اين است كه در كشوري كه تعليم و سواد آموزي اطفال آن اولويت اول مردم است، هنوز بسياري از مكاتب كشور داراي معلم نبوده و فرزندان اين مرز و بوم از نعمت علم آموزي بي بهره اند و به جاي اينكه مدارس فعال شوند، هر روز تلويزوني جديد با صرف هزينه هاي گزاف به عرصه رسانه اي كشور وارد مي شود در حاليكه فاقد محتوای برنامه اي سالم و سازنده براي مردم بوده و صرفا با پخش فيلم هاي سرگرم كننده خارجي و انواع موسيقي هاي مستهجن، جوانان ما را به سوي شهوت پرستي و شيطان پرستي مي برد؟ مگر نه اين است كه مطابق گفته مسئولين، بيشتريين فساد اخلاقي و اداري در ميان كساني ديده مي شود كه در قالب انجوهاي خارجي و با عنوان كمك رساني وارد كشورمان شده اند؟

در طول ۹ سال گذشته، چند متر سرڪ در داخل شهر كابل باز سازي شده است؟ كدام كارخانه يا معدن مهم تاثير گذار بر وضعيت اقتصادي كشور فعال گرديده؟ كدام زير ساخت مهم فرهنگي، آموزشي يا اقتصادي كشور مورد بازسازي قرار گرفته، جز اينكه فرهنگ ابتدال و زن بارگي و مد پرستي به جاي علم آموزي و دانش محوري در ميان جوانان كشور رواج داده شده است.

هر روزه، چه تعداد زن و فرزند بي گناه اين خطه، در حملات نظامي نيروهاي خارجي به شهادت مي رسند، در حاليكه هيچ تلاش مثمر ثمري براي از بين بردن كساني كه به

اصطلاح غربی‌ها، تروریست‌ها و ناامن‌کنندگان کشور اند، صورت نگرفته و بلکه سخن از مصالحه با گروه‌های مخالف، زده می‌شود؟

جدال آمریکا و انگلیس در جهت تسلط بر غرب کشورمان با چه انگیزه‌ای صورت می‌گیرد؟ آیا کشورهای غربی، منافع ملی و استراتژیک خود را که مبتنی بر اندیشه اسلام‌ستیزی‌شان استوار شده و از تفکر آرماگدونی و صهیونیسم مسیحی سرچشمه می‌گیرند، رها کرده و صرفاً به دلیل اینکه دل‌شان به حال مردم ما سوخته است، میلیارد‌ها دلار خود را هزینه کرده و جوانان خود را به کشتن می‌دهند؟

نخیر! خارجی‌ها، از روی دلسوزی به کشور ما نیامده‌اند. آنان آمده‌اند تا اورانیوم غرب کشور را برای اهداف جنگ سالارانه خود به غارت ببرند و از آن بمب‌اتم بسازند، تا اگر روزی مطابق پیش‌بینی هانتینگتون، جامعه‌شناس آمریکایی، جنگ تمدن‌ها آغاز شد، با دست پر به جنگ تمدن اصیل اسلامی بیایند.

غربی‌ها آمده‌اند تا نشر اندیشه‌های ناب اسلامی که در عصر ما، توسط حکیم فرزانه حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> همان کسی که بارها و بارها در تلویزیون امروز به شخصیت بزرگ او اهانت گردید، احیا شود، را ریشه کن نماید.

هر کر و کوری می‌فهمد که گربه برای رضای خدا موش نمی‌گیرد و غربی‌ها هم دلشان برای من و امثال من افغانستانی مسلمان نسوخته، بلکه آمده‌اند تا اندیشه اسلامی من و دیگر هموطنان را از ما بگیرند و برای این کار کسانی همچون کابلی و برخی دیگر از دست‌اندرکاران تلویزیون نورین را اجیر کرده تا به ثمنی بخش، آخرت خود را به دنیای شهوت پرستی و زیاده‌خواهی غرب بفروشند.

آری! مسؤولان و دست‌اندرکاران خبرگزاری صدای افغان (آوا) هفته‌نامه انصاف افتخار می‌کنند که در ضدیت و مقابله با جریان اسلام‌ستیزانه‌ای قرار داشته و دارند که از سوی آمریکا و اسرائیل بر ما و مردم ما تحمیل شده و کسانی مانند نجیب کابلی و هم‌پالگانش همچون عروسک‌هایی، مجری آن گردیده‌اند.

افتخار ما این است که علّم دین به دوش گرفته ایم و کشته شدن در این مسیر را شهادت دانسته و تا پای جان هم در مسیری که انتخاب کرده ایم خواهیم ایستاد.

اما نجیب کابلی و تلویزیون او و همچنین دست اندرکاران تلویزیون نورین چه توجیهی برای حمایت شان از حضور دشمنانه غرب در کشورمان دارند؟ آیا کدام کارکرد مثبت هم می تواند از فعالیت های اربابان خود ارائه کنند؟ جز اینکه بگوئیم شما برای قطع نشدن رزق و روزی خود، مجبورید تا زبونا نه علم حمایت از فعالیت های غربی در کشور بردارید و موسیقی ها و فیلم های مبتذل و فاسد کننده را مطابق با نظر غرب در تلویزیون های خود نشر نمایید؟

۲. نمی دانیم نجیب کابلی از چه زمانی صاحب مقام فتوا شده و دستور مذهبی صادر می کند. واقعا جالب و خنده دار است، کسی که خود هتاکانه مقدسات اسلامی را به سخره می گیرد و به شخصیت های بزرگ دینی و مذهبی به راحتی اهانت می نماید، و تلویزیون وابسته به او مملو از شهوت پرستی و مسائل خلاف شرع است، در برنامه سرزمین من، برای هموطنان ما مساله شرعی بیان می کند و از آنها می خواهد آنگونه که او فتوا داده عمل کنند.

کابلی در بخشی از سخنان خود می گوید:

« شما ببینید که در هندوستان بسیاری از مسلمانها هست، اما آنجا قوانین هندوها مستحکم است و مسلمانها هم، چون در آنجا اکثریت هندی است، مسلمانها هم تابع آنها هستند و ما در افغانستان که اکثریت اهل سنت هستند، اینجا فقه حنفی استوار است و فقه جعفری حکم میکند که جعفری ها که اقلیت هستند کار را به نظریت ما انجام بدهند، این از لحاظ فقهی خودشان برایشان ثواب است.»

این سخنان خنده دار نجیب کابلی نشان می دهد که او نه تنها هیچ اطلاعی از دین و مذهب ندارد که حتی یک بار نیز قانون اساسی کشور را نخوانده است.

در این بخش از سخنان وی، نکاتی نهفته است که به برخی از آنان اشاره می شود:

الف - مطرح کردن مسائل مذهبی در کشور ما، آن گونه که نجیب کابلی آن را مطرح کرده، جز با هدف ایجاد اختلاف میان پیروان دو مذهب و فتنه افکنی، با هدف دیگری نمی تواند بیان شده باشد. این در حالی است که خداوند متعال در قرآن کریم، همواره دستور داده است که از فتنه افکنی میان امت اسلامی پرهیز شود.



ب - ظاهراً نجیب کابلی توان تفکیک میان دستورات مذهبی و دینی و قوانین اجتماعی و مدنی را ندارد و اگر هم دارد، خود را به تجاهل زده و می خواهد در یک مغالطه آشکار، ایجاد فتنه نماید. اینکه وی از تبعیت مسلمانان هند از هندوها در سرزمین هندوستان مثال می زند، واقعا خنده دار به نظر می رسد. آیا وی واقعا خیال کرده مسلمانان هند به جای خواندن نماز، به معابد هندی می روند؟ یا خیال کرده که مسلمانان هند، میت خود را به جای اینکه کفن و بعد دفن نمایند، جسدش را سوزانده و بعد به آب می ریزند تا به زعم نجیب کابلی، از اکثریت هندو آنجا متابعت کرده باشند؟

نخیر جناب کابلی!، مسلمان حتی اگر در هند هم باشد مطابق شریعت و دستور اسلامی عمل می کند، مطابق دستور و شریعت اسلامی در محکمه با او برخورد می شود و زندگی خود را مطابق با دستورات دین مبین اسلام عیار می سازد. فقط در قوانین روزمره اجتماعی که جهت ایجاد نظم در هر جامعه ای وضع می شود و اختصاصی هم به جامعه خاصی ندارد، و رعایت آن نیز ارتباطی به دین و مذهب و آئین پیدا نمی کند، همه افراد جامعه از مسلمان و غیر مسلمان و شیعه و سنی، همسان عمل می کنند. بنابراین همان طور که حضرت تعالی باید قوانین ترافیکی کشور را رعایت کنید، یک شیعه هم باید رعایت کند، یک حنفی هم باید رعایت کند و هندو افغانستانی هم باید آن را مراعات نمایند.

چه مرجع شرعی و قانونی گفته که پیروان مذاهب مختلف در کشور، به دلیل اینکه یک مذهب دارای اکثریت جمعیتی بیشتری است، باید از آن اکثریت جمعیتی متابعت کنند؟

قانون اساسی، حضور و زندگی اتباع مذاهب مختلف در کشور را آزاد گذاشته و دو مذهب جعفری و حنفی، مذاهب رسمی کشور اند. تفاوت در دیدگاه های مذهبی نیز هیچگاه مانع از همزیستی مسالمت آمیز پیروان مذاهب در یک جامعه نیست، مگر اینکه افراد دین ستیزی چون کابلی، در پس پرده اهداف اختلاف افکنانه اسرائیلی و آمریکایی، با پاشیدن بذر نفاق، موجب ایجاد کدورت میان پیروان مذاهب شوند. و گرنه پیروان مذاهب حنفی و جعفری، برادرانی از خانواده بزرگ اسلامی هستند و هیچ مساله بینادی که مانع بودن آنها در کنار هم باشد با هم ندارند.

همزیستی مسالمت آمیز پیروان مذاهب حنفی و جعفری به معنای آن نیست که یکی تابع دیگری باشد، بلکه به معنای آن است که هر گروهی، ضمن داشتن احترام به گروه دیگر، مطابق دستورات مذهبی خود عمل نماید، اما به دیگری هتاک و بی احترامی ننماید. پس هر شیعه ای، همان گونه که حق دارد با مدینه منوره و مکه معظمه به عنوان خواستگاههای دین مبین اسلام ارتباط عاطفی و مذهبی داشته باشد، حق دارد با هر جای دیگری که علمای مذهبی اش در آنجا حضور دارند، ارتباط عاطفی و مذهبی داشته باشد، خواه این مکان، شهر مقدس قم باشد، یا نجف اشرف باشد و یا هر جای دیگر.

اما نمی دانم که نجیب کابلی، با تکیه بر چه مبنای شرعی و دینی، متابعت شیعیان جعفری از مذهب حنفی را مقارن با صواب دانسته و در این باره فتوا صادر کرده است؟!!!!

۳. مساله مهم دیگری که در سخنان مجری و مهمان برنامه «سرزمین من»، بارها به آن اشارت رفت، ارتباط شیعیان با مرکز اجتهاد و فقهت شیعی در شهر مقدس قم است.

به نظر می رسد که ذهن بیمار گونه نجیب کابلی، همواره به سمت و سوی می رود که خود او در همان مسیر حرکت کرده و توان تشخیص و تفکیک مسائل از هم را ندارد. البته که ضرب المثل ولدیمی فارسی در مورد کسانی همچون او، می گوید: کافر همه را به کیش خویش پندارد، اما لازم

« آیا حضور غرب در افغانستان جز اینکه بر ویرانی های کشور ما افزوده و هر روز تعداد زیادی از هموطنان ما را به کام مرگ می برد، دستاورد دیگری داشته است؟ کدام امنیت در کشور ایجاد شده، در حالیکه مطابق اعلام وزارت دفاع در ابتدای همین هفته، از ۴۶۴ ولسوالی کشور، فقط ۹ ولسوالی امن بوده و بیش از صد ولسوالی، با خطر بسیار بالای امنیتی مواجه هستند؟»

است تبیین شود که هر رابطه اندیشه ای با یک مرکز دینی و فقهاتی، آن گونه که نجیب کابلی خود را با آن دست به گریبان ساخته، لاجرم یک ارتباط استخباراتی نیست. نجیب کابلی در بخشی از سخنان خود می گوید:

«قم برای سرکوبی اهل سنت به وجود آمده و کسانی که قم می روند و در آنجا برایشان تدریس میشود، برای آنها هیچ وقت گفته نمی شود شما یک مبارزه کنید بر ضد عیسویت و یهودیت، اولین اقدامی که میکنند، میگن دشمن اول شما اهل سنت است»

سخنان طنز گونه وی، به قدری خنده دار به نظر می رسد، که با هیچ بیانی، عمق احمقانه بودن آن را نمیتوان تصویر کرد.

تمام دنیا، اعم از مسلمان و غیر مسلمان شاهد است که طی قرن گذشته و بلکه بعد از سالهای طلایی اولیه ظهور اسلام، بزرگترین حرکت دینی و اسلامی شکل گرفته در میان جوامع بشری، حرکتی است که توسط یک فقیه فرزانه همچون حضرت امام خمینی(ره) از حوزه علمیه قم آغاز گردید و شعار آن احیای ارزشهای فراموش شده اسلامی در همه کشورهای اسلامی بود.

چه کسی است که نداند روح اسلامی، پس از آغاز این نهضت در کالبد نیمه جان مسلمانان جهان در سرتاسر جهان دمیده شد؟

چه کسی است که نفهمد، بزرگترین هدف امام راحل(ره) وحدت و بیداری همه مسلمانان جهان از شیعه و سنی بود؟

چه کسی است که درک نکند، آن بزرگمرد تاریخ، به عنوان زعیم حوزه علمیه قم، با همیاری مراجع معظم تقلید شیعی، بزرگترین فعالیت ها را در راستای وحدت و انسجام امت بزرگ اسلام آغاز کردند؟

چه کسی است که اعتقاد نداشته باشد، عزت و جلال مسلمین در زمان ما، در پرتو انقلابی است که علمای ساکن در شهر قم، آن را آغاز نمودند و به تمام امت اسلامی در سرتاسر جهان هدیه دادند؟

چه کسی است که احساس ننماید، داستان غربت فلسطین و اشغال آن - در حالیکه تمام جهان اسلام و عرب به جدا شدن آن پیکره سرزمین اسلامی تن داده بودند - توسط قم و مراجع آن، بار دیگر سر داده شد و به مساله روز جهان تبدیل گردید؟

چه کسی است که خود را قانع نکند که هم کنون تنها مدافع عملی مسلمانان مظلوم در سراسر جهان و مسلمانان سنی مذهب فلسطین، کشور جمهوری اسلامی ایران و علما و مراجع ساکن قم و رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای است؟

چه کسی است که یقین نداشته باشد، پیروزی مجاهدین جان برکف افغانستان، در پرتو حمایت های بیدریغ علمای قم، و در راس آنان امام راحل(ره) و دولت جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است؟

چه کسی است که واقعیت را کتمان کند که هم اکنون تمام غرب، با تمام توان و تلاش خود، و با تفکر اسلام براندازانه خود، فقط ایران را به عنوان ام القرای جهان اسلام و کشوری که روح اسلامیت و انسانیت و کرامت را به جهانیان اهدا کرده مورد حمله قرار داده است و حمله به کشورمان و حمله به عراق نیز در همین راستا صورت گرفته است؟ همه می دانند که آمریکا، با مردم ایران به عنوان افراد ساکن در این کشور مشکلی ندارد، بلکه با اندیشه ای دشمنی دارد که در این کشور رشد و نمو یافته و بر اساس آن بنیاد های اسلام ستیزانه غرب، به چالش کشیده شده است و دست بر قضا، مرکز احیا و بازسازی تفکر ناب اسلامی و صدور آن به جهان، شهر قم بوده و هست و بر خلاف آنچه که نجیب کابلی مدعی شده، هم اکنون قم، مرکز مبارزه اسلام با تفکر صهیونیسم مسیحی و یهودی شمرده می شود.

بنابر این هر عقل سلیمی به راحتی حکم می کند که دشمنی با تفکر و اندیشه ای که از شهر قم به جهان صادر می شود، در واقع دشمنی با اندیشه اسلامی و غرب ستیز است و دشمنی با علمای معظم در شهر قم، دشمنی با باورهای اعتقادی طیف وسیعی از مسلمانان جهان است که اتفاقا بسیاری از آنها را اهل سنت تشکیل می دهند.

مگر جنبش حماس، به عنوان تنها جنبش اسلامی فعال در مبارزه با اسرائیل غاصب که خود نجیب کابلی نیز خود را دوستدار و مدافع این جنبش می داند، اندیشه مبارزاتی خود را از اندیشه علمای معظم قم نگرفته است؟

مگر نه این است که اندیشه قم، اندیشه جهان وطنی اسلامی و همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان در کشورهای اسلامی است که اگر غیر از این بود، خمینی بت شکن(ره)، دستور به اقامه نماز حجاج شیعی در حریم شریفین (مسجدالحرام و مسجدالنبی) به امامت علمای سنی مذهب آن سامان را صادر نمی کرد.

نجیب کابلی، در واقع، به صورتی روشن و مشخص، جبهه دین ستیزانه خود را در مخالفت با افکار و اندیشه های اسلامی با تعابیر زیر بیان می کند:

«اما من تا که زنده باشم «حاجی نجیب کابلی» هر نوع فرهنگ قمی که در افغانستان مروج میشه باید سرکوب شود .... ما با ایران هیچ پیوندی نداریم ... از طالبان و القاعده آنها خطرناک تر است»

این است اندیشه ای که نجیب کابلی و هم پیالگانش به دنبال آن اند. اندیشه ای که ثمره آن، ایجاد اختلاف میان امت اسلامی و کشتن روحیه اسلامی گری و برادری و مبارزه با تهاجم همه جانبه غرب علیه اسلام است.

گویا نجیب کابلی از یاد برده است که اندیشه دینی فعال در حوزه علمیه قم، یک جریان نوپای متعلق به نظامی فعلی جمهوری اسلامی ایران نیست که او به گمان خود بخواهد تا با حمله به حوزه علمیه قم، مثلا نظام جمهوری اسلامی ایران را زیر سوال برده باشد. بلکه آنچه در خصوص حوزه علمیه قم مطرح است، نظامی اندیشه ای است که از سالها قبل از شخصیت های بزرگی همچون آیت الله العظمی بروجردی - همو که شیخ محمود شلتوت شیخ الازهر مصر به او احترام ویژه ای قائل بود- و آیت الله العظمی حائری و سایر بزرگان، به جا مانده و پیوندی عمیق با آنچه همه علمای بزرگ در طول اعصار در خطه های دیگر سرزمین بزرگ اسلامی همچون نجف اشرف و جبل عامل و مصر و مکه و مدینه به آن قائل بوده اند دارد و اصولا، متدین مسلمان در گوشه گوشه جهان، تفکر دینی خود را مرسوم تلاشهای همین علمای بزرگ اسلامی دانند و تا همین الان نیز، رسائل عملیه و فتاوی آن بزرگان را در منازل خود دارند.

از سویی نمی دانم چرا وی و هم مسلک هایش اینقدر اصرار دارند که هر مساله ای را به سمت و سوی مسائل استخباراتی ببرند. پیروی از یک اندیشه، چه ارتباطی به مسائل استخباراتی دارد؟ آیا همه کسانی که در کشور ما دارای تفکر سکولار هستند؟ به ارگانهای استخباراتی غرب وابسته هستند؟

اصلا خود آقای نجیب کابلی که از تفکر دین سیتزانه غرب در مقابل تفکر اسلام گرای دفاع می کند، به کدام سازمان استخباراتی وابسته است؟ اگر اینگونه باشد که طرفداران هر اندیشه ای بایستی حتما به یک سازمان استخباراتی وابسته شده باشند، پس حتما نجیب کابلی و نستوه نادری و بقیه هم فکراشان با سازمان سیای آمریکا و موساد

اسرائیل ارتباط دارند، چرا که عمدتاً این دو سازمان استخباراتی با اندیشه های اسلامی مخالفت جدی و سازمان مند دارند.

۴. نجیب کابلی، در بخشی از سخنان خود، تلاش دارد تا با استفاده از یک ترفند کور، حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی را که فقیه فرزانه افغانستانی ساکن در شهر مقدس قم است، جدای از رویکرد های دینمدارانه دیگر علمای اسلامی نشان دهد. وی ضمن اینکه علمای شهر قم را موجب نفاق در جهان اسلام معرفی می کند، در مورد این مرجع عالیقدر می گوید:

«آیت الله کابلی هم از شخصیت های خوب است و کاش مردم اهل تشیع را بگذارند که از همین آیت الله کابلی دستور بگیرند و ایشان یک شخصیت بیدار فکری است» بدون شک، حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، به عنوان یکی از مراجع تقلید شیعیان افغانستان، یکی از آگاه ترین شخصیت های ملی و مذهبی ماست که طرز دیدگاه او نیز دقیقاً مطابق اندیشه دینی حاکم در شهر قم است و به همین تناسب است که وقتی دشمنان دین و آئین، در یک اقدام فرمایشی از سوی اربابان خارجی خود، اقدام به تجمعی کرده و در آن، به امام خمینی<sup>(ره)</sup> اهانت شده و عکس ایشان و عکس حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای را پاره کردند، حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی نیز به این رفتار هتاکانه واکنش نشان داده و با صدور پیامی، این اقدام را محکوم نمودند که اگر نجیب کابلی از این پیام مطلع نیست، خوب است تا متن آن را در شماره ۱۳۶ هفته نامه انصاف (منتشر شده در تاریخ سوم جوزا)، مطالعه نماید تا بداند که مردم شریف و مسلمان افغانستان، به تبعیت از همین فقیه فرزانه، رویکرد دین ستیزانه تلویزیونهای نورین و امروز در هدف قرار دادن باورهای اندیشه ای شان را محکوم می نمایند.

خوب است که بخشی از پیام ایشان آورد شود تا دانسته شود که نظر این فقیه بزرگوار به عنوان یکی از چراغهای راه ملت مسلمان افغانستان در مورد تظاهراتی که نجیب کابلی، راه ابداعته و آن را هدایت می کرد، چیست:

" بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا (آل عمران/۱۰۳)

شنیده شده است که چندی است عده ای اندک ماجرا جوی مغرض در شهرهای مختلف کشور عزیزمان افغانستان، با برپایی تجمعاتی، سعی در پراکندن بذر اختلاف و تفرقه بین دو ملت بزرگ ایران و افغانستان دارند... ملت بزرگ افغانستان به هوش باشند که مبادا منافع بلند مدت خود و هموطنان مهاجر خود را در اقدامات عده ای اندک، ماجراجو و فریب خورده به خطر اندازند و زمینه اختلاف افکنی را در این زمان حساس که اتحاد میان جهان اسلام به شدت احساس می شود فراهم کنند.

از دولت و ملت دوست و برادر جمهوری اسلامی ایران نیز انتظار می رود که حساب اکثریت ملت افغانستان را از عده ای فریب خورده و مغرض که در اقلیت هستند، جدا کرده و با انجام بعضی اقدامات احساسی زمینه بهره برداری دشمنان اتحاد دولت را فراهم نکنند. توصیه اینجانب به ملت و دولت افغانستان آن است که با احترام گذاشتن به نماد های ملی و مذهبی تمام کشور ها بلاخص کشور دوست و برادر جمهوری اسلامی ایران، از اقدامات عده ای اندک، فریب خورده و مغرض جلوگیری کرده و سعی در برقراری ارتباط و دوستی هر چه بیشتر با تمام ملت ها به خصوص ملت های همسایه داشته باشند"

در پایان توجه خوانندگان محترم را به شعری که مصداق آن، دین ستیزان کشور ما نیز هستند جلب می کنیم:

« کی شود دریا ز پوز سگ نجس

کی شود خورشید از پف منطمس

هر که بر شمع خدا آرد پف او

کی بسوزد شمع، سوزد ریش او»<sup>۴</sup>

## گسترش مسیحیت سازی و غفلت خواص

سید جعفر عادل «حسینی»

پس از آن که در اورپا میان سیاست مردان و رجال روحانی و کلیسا نشین تقسیمی در زمینه امور کشورداری و روحانیت پروری به وجود آمد و زمینه های کاری و فعالیت و

<sup>۴</sup>. برگرفته از هفته نامه انصاف و خبرگزاری صدای افغان (آوا)

اتخاذ مواقف و جهت گیری ها در مورد نظام کلیسا و فرا کلیسای یعنی عرصه و مصاف نظام سازی و کشورمداری مشخص گردید، بازهم سیاست مردان و کشورمداران باورمند به دین تحریف شده مسیحیت اروپا و امریکا کلیسا را فراموش نکردند و در کار پاپ ها و رجال روحانی مسیحیت قرار گرفتند و به تقویت و گسترش باورها و افکار آنان پرداختند و پیشگام کلیسا در جو سازی برای تبلیغ و انتشار انجیل تحریف شده قرار گرفتند.

از چند سال بدینسو برخی موسسات خارجی مستقر در افغانستان برای گسترش مسیحیت فعالیت دارند، بدون تردید آمدن غربیها به افغانستان، بدنال دموکراسی دورغین غربی کمک به مردم ما نیست بلکه آنها اهداف خاص خود مانند؛ دسترسی به منابع طبیعی و دست نخورده، ترویج تمدن غربی و اشاعه مسیحیت در افغانستان را پیگیری می نمایند؛ چنانچه اخیرا در رسانه ها بصورت مستند خبری به نشر رسید که سربازان خارجی با همکاری نیروهای داخلی در هلمند ترجمه کتابهای انجیل را به زبان پشتو پخش و همین طور در دیگر ولایات کشور، مبلغان مسیحی سرگرم تبلیغ آیین مسیحیت می باشند و همچنین انجیل های ترجمه شده به فارسی و پشتو که از سوی یک کلیسا در امریکا به افغانستان فرستاده شده بودند حدود یک سال قبل در پایگاه هوایی بگرام توقیف شدند. به گزارش سی ان ان دگر جنرال مارک رایت اظهارداشت که چنین رویکرد مذهبی سربازان و غیرنظامیان امریکایی را در افغانستان به خطر مواجه می سازد وی می گوید که این تصمیم اجباری بود.

اینکه افغانستان بحران زده نیز از گزند فکری این ها در امان قرار نگرفته است و در روزگار جهاد و پس از روی کار آمدن رژیم هسته یافته از توافق بن، فعالیت های دستگاه مسیحیت با کاربست راهکارها و راهبردهای گونه گون و با بهره جستن از وضعیت بحرانی و تیره ی افغانستان و با استفاده از فقر و تهیدستی افغان ها شدت و سرعت یافته است. در واقع می توان گفت که یکی از اهداف و خواسته های استعمار سفید امریکا و هم پیمانان اروپائیش درجنگ افغانستان بستر سازی و ره همواره کردن برای همین گسترش باورهای انحراف مسیحیت در این سرزمین است، شما شاهد گزارش شبکه خبری الجزیره بودید که پرده از فعالیت های تبشیری و تبلیغ مسیحیت برداشت و در آن گزارش آمده بود که یک نظامی سابق امریکا در افغانستان تصاویری را منتشر کرد که اقدامات و کارکردهای



سربازان امریکا مبنی بر گسترش و تبلیغ مسیحیت را نشان میداد، براین هیوز نظامی امریکا و کارگردان فیلم مستند «ماموریت دیگر در حمله به افغانستان» تصاویر و عکس ها انجیل ها و سربازان امریکایی در پایگاه هوایی بگرام را به نمایش گذاشت به اسان گزارش شبکه الجزیره در این تصاویر گفت و گوی های دونظامی امریکایی را نشان میدهد که به فعالیت تبلیغی مسیحیت خارج از چارچوب ماموریت نظامی خود پرداخته اند. ارتش امریکا بلافاصله این خبر را رد کرد و اعلام کرد که امریکا برای ارتش خود در افغانستان اجازه نمی دهد که نسخه های فارسی و پشتو انجیل را توزیع نمایند. بر بنیاد گزارش الجزیره این اعلام نیروهای امریکا در افغانستان در حالی صورت گرفت که برخی سربازان امریکای اعتراف دارند و افتخار می کنند که در صدد شکار مردم افغانستان برای حضرت مسیح هستند. از همه چنان پدیدار می گردد که توسعه مبانی فکری و باورهای تحریف شده عیسویت جزء کار نیروهای مهاجم امریکای و اروپا در سرزمین های اشغال شده می باشد و دستگاه مسیحیت با استفاده از افغان های دین باخته و مرتد و با کارگرفت از اسالیب و شیوه های گونه کون می خواهد که روزنه برای تبلیغ و نشر اندیشه تحریف شده مسیحیت دست و پا نمایند.

خواسته های دستگاه مسیحیت و یا حرکت تبشیر در کشورهای اسلامی:

۱. حرکت تنصیر و دستگاه تبلیغ مسیحیت در واقع دعوتی است که صلیبی ها میان عموم مردم به ویژه میان مسلمان به منظور واداشتن و ادخال آنان به دین عیسویت تحریف شده به راه انداخته اند که به خاطر وارونه جلوه دادن حقیقت و عوام فریبی نام فعالیت های مسیحی خود را تبشیر گذاشته اند و نام انجیل ترجمه شده فارسی را مژده مسمی کرده اند.
۲. حرکت مسیحیت به منظور فریفتن مردم و واداشتن آنان به گریز از اسلام و واردشدن به مسیحیت سه مرحله را دنبال می نمایند:

اول- نصرانی سازی: در این مرحله بیشترین تلاش شان روی اخراج مسلمان از اسلام و داخل شدن به نصرانیت تمرکز میداشته باشد طوری که یکی از مبلغین مسیحی می گوید: من تلاش می کنم تا یک مسلمان را از محمد بسوی مسیح بکشانم. (جنگ فکری)

دوم- اخراج مسلمان از دین اسلام:

در این مرحله تلاش بخرج دادخه می شود تا مسلمان گرچند به نصرانیت داخل نمی گردد دست کم از اسلام دور شود و در مورد اسلام شک و تردید پیدا نماید. زویمر یکی از مبلغان مسیحی در خطاب برای دیگر مبلغان مسیحی می گوید: ای مبشر مسیحی وقتی که مسلمانی را در مو اسلام دو دل و مذذب سازی و به اسلام صدمه بزنی موفق و پیروز خواهی بود، همین شک و تذبذب او اگر چه مسیحی نشود کافی است. او دادامه سخن می گویند. وظیفه حرکت تبشیر که شما را دولت های مسیحی به خاطر اجرای آن به شهرهای محمدیه می فرستد این نیست که مسلما را حتما در مسیحیت داخل نمایند بلکه مکلفیت شما تنها این است که مسلمان ر از دایره اسلام بیرون نمایید و رابطه و پیوندی میان او و خدا وجود نداشته باشد.

سوم - دوری از اسلام: در این مرحله تلاش صورت می گیرد که مسلمان به حیث یک مسلمان غیر ملتزم و بی تفاوت در برابر اساسات دین و نظام الهی بار آید و به او امر پروردگار و تعالیم قرآنی به طور کلی بی تفاوت و بی پروا باشد و یا دست کم در ادا و انجام دادن شعایر تعبدی چون نماز و روزه و... تکاسل نماید و در زندگی عملی اش و در معاملات، سیاست و زیست باهمی اش نظام و قوانین اسلامی دیده نشود و به نام مسلمان باشد.

این هرسه مرحله فعالیت ها امروز در افغانستان به اشکال و شیوه های مختلف پیش برده می شود.

هیچ تردیدی وجود ندارد که نیروهای امریکای در این بعد تماسی نمی گیرند، سخنان بوش رئیس جمهور سابق ایالات متحده امریکا که امر تهاجم و لشکرکشی نیروهای امریکا را به افغانستان و عراق صادر کرده فراموش نمی گردد که او با صراحت گفته بود که جنگ صلیب با اسلام است.

از سوی، اسلام به گونه طبعی به سرزمین های اروپا و امریکا راه یافته است و بشریت سرگردان آنجا سکون و اطمینان را در سلام می دانند، دستگاه نصرانیت و رجال کلیسا در تباری سیاست مردان، از این وضعیت وحشت زده شده در صدد انسداد روزنه های ورودی اسلام به کشورهای خود برآمده اند و به فعالیت های فکری خود شدت بخشیده اند.

- اهداف دستگاه صليب در فعاليت فكري حركت نصرانيت و ارگان هاي ناشر افكار مسيحيت تحريف شده خواستار تحقق امور زيرين اند:
۱. خاتمه بخشيدن به عقيدة و اندیشه اسلامي و ترويج عقيدة و باور تثليث.
  ۲. تزلزل و تذبذب در اعتماد مسلمانان نسبت به دين شان.
  ۳. تحريف و وارونه جلوه دادن حقايق قرآن و دور كردن مسلمانان از آن.
  ۴. ايجاد شك و ترديد در صدق نبوت حضرت محمد صلي الله عليه وسلم و بد جلوه دادن سيمای زندگي ايشان.
  ۵. ازاله شريعت اسلامي از نظام حاكميت.
  ۶. دور نمودن تعاليم و اخلاق و روش هاي اسلامي از جامعه.
  ۷. جلوگیری از وصول اسلام به جوامع نصراني.
  ۸. سيطره بر ملت ها و در بند كشيدين كشورهاي اسلامي.
  ۹. به كارگيري سيستم هاي قانون گذاري، تعليمي، مطبوعاتي و اقتصادي دولت ها به خاطر تحقق اهداف مسيحيت.

### نشست ها و تظاهرات در مورد گسترش مسيحيت سازي

سيد رضا احساني

از چند سال بدینسو برخی موسسات خارجي مستقر در افغانستان برای گسترش مسيحيت فعاليت دارند، بدون ترديد آمدن غريبها به افغانستان، بدنبال دموكراسي دورغين غربي كمك به مردم ما نيست بلكه آنها اهداف خاص خود مانند؛ دسترسي به منابع طبيعي و دست نخورده، ترويج تمدن غربي و اشاعه مسيحيت در افغانستان را پيگيري مي نمايند؛ چنانچه اخيرا در رسانه ها بصورت مستند خبري به نشر رسيد كه سربازان خارجي با همكاري نيروهاي داخلي در هلمند ترجمه كتابهاي انجيل را به زبان پشتو پخش و همين طور در ديگر ولايات كشور، مبلغان مسيحي سرگرم تبليغ آيين مسيحيت مي باشند.

متاسفانه سالهاي اخير در دانشگاه ها، مكاتب و مراكز علمي و فرهنگي كشور برخلاف گذشته به ترويج برنامه هاي اسلامي بها داده نمي شود و اين مسائل باعث مي گردد تا تبليغات گمراه كننده مسيحي سازي در كشور چندين برابر شود، زماني كه علما، نهادهاي ديني و علمي، مسئولين، مقامات بلند پايه ما به فكر گسترش اسلام و برخورد با جريانهاي

انحرافی علیه اسلام نشوند، غریبها به اهدافشان تلاش خواهند کرد و این موضوع باعث نگرانی مردم مسلمان ما شده است.

چنانچه شاهد هستیم که از چندی قبل تلویزیون خصوصی «نورین» در برنامه «سرزمین من» تصویری را به نشر رسانید که نشان می داد جمعی به دین مسیحیت گرویده و این اولین بار نیست که در کشور حرف از گرایش برخی شهروندان به مسیحیت گفته می شود، بلکه سالهای قبل نیز در مناطق شرق و جنوب و شمال و کابل بارها مردم اعتراض کردند که خارجی ها به بهانه های گوناگون در نقاط مختلف کشور دست به تبلیغ آموزه های مسیحیت می زنند وعده ی را تشویق می کنند تا تغییر عقیده دهند، اما پس از افشای هفت تا کلیسای خانگی (٣ تا کلیسا در کارته ٤ و ٢ باب کلیسا در کارته ٣ و ١ کلیسا نسبتاً بزرگ در سرک ٤ سیلوی و ١ باب کلیسای دیگر در ساحه ی پل خشک غرب کابل) از سوی بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) برخی موسسات و اشخاص تلاش نمودند تا این پدیده شوم مسیحی سازی را وارونه جلوده داده و موضوع را از مسیرواصیلش منحرف سازند.

به همین جهت قبل از ظهر روز پنج شنبه ٢٠ جوزا جلسه مشورتی با حضور شخصیت های برجسته علمی و سیاسی و برخی نمایندگان مردم از شورای ملی و سنا در مرکز بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) تشکیل جلسه داده و شرکت کننده گان هر کدام بطور جداگانه در این موضوع صحبت نمودند؛ در آغاز جلسه حجت الاسلام والمسلمین سید محمد هادی «هادی» رئیس بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) تشریف آوری حضرات آیات، رهبران جهادی، شخصیت های علمی و سیاسی و نمایندگان محترم مردم در شورای ملی و سنا را خیر مقدم گفته و اظهار نمود که در این اواخر تبلیغاتی از سوی برخی موسسات و مبلغان مسیحی سازی در کشور آغاز گردیده تا شبهاتی را ایجاد نمایند که بدین منظور جلسه مشورتی امروز با مشوره پروفیسور استاد ربانی، آیت الله محسنی، انجنیر احمد زی، آیت الله حجت و دیگر شخصیت های مطرح کشور این جلسه مشورتی دائر تا پیرامون موضوع مسیحی سازی بحث صورت گیرد.

حدود سه سال قبل شورای علمای شیعه افغانستان در راستای شناسایی مسیحی سازی مسئولیت تحقیق در این زمینه را به عهده من گذاشت، متأسفانه این تلاش ها قبل از وقت از مسیرواصیلی منحرف و در نهایت وضعیت روشن شد که تبلیغاتی مسیحی در این کشور به

شدت روان است و عده ای آگاهانه با ایجاد شبهه این قضایا را به مسائل سمتی و قومی انحراف داند، لذا بنامش با حضور جمعی از علما و دانشمندان و با تدبیر و مسئولیت دینی شان راهکار هایی عملی برای مقابله صورت گیرد، اینک مسئولیت اداره جلسه را به عهده انجنیر احمدشاه احمدزی و حضرت آیت الله حجت گذاشته می شود و از شخصیت های حاضر در جلسه مشورتی نیز تقاضا نمودم که در بیرون رفت از این معضله، بزرگواران پیشنهادات و طرح های شان را ارائه نمایند.

در این جلسه مشورتی به دنبال تبلیغ مسیحیت و تلاش برای ایجاد کلیسا در افغانستان حضرت آیت الله محسنی به دو موضوع اشاره نموده و گفت؛ یکی جنبه ی فرهنگی قضیه است که باید عده بنشینند و در رسانه های جمعی با نوشتن مقالات و مصاحبه های تلویزیونی فعالیت نمایند و کاردانی در این زمینه صورت گیرد، این یک واقعیت تلخ است همانطوریکه در عراق مسیحیت فعالیت دارند در این کشور نیز تلاش می کنند، بنا بر این یک مبارزه فرهنگی پیگیری می خواهد با استدلال منطق «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»

دیگر جنبه سیاسی این قضیه است که باید اعلامیه ی به قوه سه گانه نوشته شود، متنفذین و متدینین آن را امضاء کنند، با آنکه قوه مقننه قبلا دو نفر از مسئولین دولت را که در آن زمان مسئول بودند خواستند ولی مسئله به نظر من با مهارت دقیق فرا افکنی شد، توجه مردم از اصل قضیه به طرف جنبه های فرعی جهت دادند، این بار در اعلامیه از هر سه قوه خواسته شود که قضایا را به مسائل فرعی و جنبی و غیر واقعی سوق ندهند، اصل قضیه باید حل شود و ملت مسلمان افغانستان بدانند که این مسئله پیگیری میشود و اگر ما بیاییم این قضایا را به راست و چپ کنیم، اصل قضیه می ماند و آنهایی که پس پرده کار می کنند همین را می خواهند؛ اولاً ما صحبتی با قوای سه گانه کشور داریم و دوما دانشمندان و اهل قلم و محققین و متفکرین قضیه را از بعد فرهنگی بصورت دوام دار این وظیفه بسیار مهم و اساسی را انجام دهند.

همچنین در این جلسه انجنیر احمدشاه احمدزی، رهبر حزب اقتدار اسلامی با تأکید بر صحبت های آقای هادی گفت: ما باور داریم که ملت ها باقی و حکومت ها موقتی هست، بسیاری از حکومت ها متأسفانه به اسلام جفا کردند و علت آن است که ما منحیث

ملت تضعیف می شویم، در شرایط کنونی باید ملت مسلمان ما از مقدسات و دین خود دفاع کنند و ما از ملت خویش مأیوس نیستیم، زیرا ملت مسلمان ما با روحیه دینی و اسلامی خود باقیست و تعداد محدودی که از دین منحرف شدند، بدان دلیل نیست که مردم مسلمان در مورد ارزشهای دینی شان بی تفاوت باشند، بنا براین وظیفه فرد، فرد ما بخصوص علمای بزرگوار سنگین است و همه باید در قبال جامعه ادای مسئولیت نمایند و اکنون مبلغان مسیحیت در صدد منحرف ساختن این حرکت هستند، باید قدم های متین برداشته شود واصحاب رسانه، مخصوصا رسانه های ارزشی باید رسانه خود را در خدمت برادران بگذارند و در این راستا حرکت عمومی از طرف مردم مسلمان ما صورت گیرد.

یکی دیگر از علمای مطرح کشور که در این جلسه صحبت نمود، حضرت آیت الله حجت بود، ایشان ضمن قدرانی از حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای هادی جهت تشکیل جلسه مشورتی به سه موضوع تأکید داشت؛

۱) جناب آقای هادی قبل از برگزاری این جلسه نیز در صدد کشف و توطئه های مسیحیت و تبشیریهها بودند و بحمد الله تا حدود موفق شدند و عوامل نفوذی ایشان بعضی موارد را بر ملا ساخت، هرچند که ایشان از طرف بعضی از مراکز غیر مسئول مورد تهاجم قرار گرفت، چون کار برای خدا بود من فکر می کنم که قدم های ایشان موثر واقع شد و بر همه ماست که از کار های عاقلانه و درستی که هر کسی انجام می دهند حمایت نموده و سکوت را اختیار نکنیم.

۲) باید این جریان را خیلی مهم و با اهمیت تصور کنیم و از کنارش به سادگی نگذریم، با آنکه مردم ما مسلمان هستند تعصب دینی دارند و مسیحی نمی شوند، ولی مبلغین مسیحی از راههای متعدد تلاش می کنند و این تلاش ها ربطی به دین حق و باطل ندارد هر کسی که بخواهد تبلیغ کنند اوائل مسلماً جذب و جلب کمتر است ولی روز به روز بیشتر می شود، در این زمان امکانات تبلیغی دست کفار بیشتر از ما است مسلماً شانس برنده شدن آنها بیشتر هست.

۳) قرآن مجید به ما فرمان می دهد «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» این فقط بحث نظامی نیست بلکه در هر کاری که دشمن انجام می دهند، ما باید استعدادش را داشته باشیم تا در برابر آنها ایستادگی کنیم، پس کوچک شمردن دشمن به نظر من یکی از اشتباهات

عمده است که دشمن را در امور دینی جری می کند، عده ای عوض مخالفت با مسیحی سازی به محکوم کردن آقای هادی می پردازند که چرا این حرکت را انجام داد، حال بر فرض اینکه، کار ایشان نعوذ بالله حرام و اشتباه ولی این قضیه الآن اتفاق افتاده، الآن عده مسیحی شده و غسل تعمید کرده اند ما بجای رفتن دنبال علاج، آقای هادی را محاکمه کنیم که جلوگیری از مسیحیت این نیست که ما از آب گل آلود منافع سیاسی مان را برآورده سازیم.

پس از بحث و تبادل نظر شخصیت ها، همانند؛ مولوی ضیالالدین «ضیا» عضو شورای سرتاسری علمای افغانستان، استاد عرفانی رهبر حزب وحدت اسلامی ملت افغانستان، استاد مهدوی وزیر مشاور رئیس جمهور در امور دینی، استاد حق پرست رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، استاد ضیایی سرپرست موسسه فرهنگی، خدماتی ثقلین، استاد عبدالوهاب عابد عضو جمعیت اصلاح، استاد فاضل حسینی رئیس بنیاد راه امین، قاضی نذیر نماینده مردم هرات در شورای ملی، استاد نسیم فقیری رئیس دارالانشاء جمعیت اسلامی، حجج اسلام دکتر شیخ محمد حسین جعفری، سید عبدالعظیم مبین و سید طاهر مدرسی هر کدام بطور جداگانه تأکید داشتند هر چه عاجل و با اقدام فوری مسیحیت سازی در کشور شناسائی و با قاطعیت بدون در نظر داشت ملحوظات سیاسی از ریشه خشکانده شود و در پایان جلسه مشورتی با پیشنهاد شرکت کنندگان کمیسونی ایجاد گردید، ریاست کمیسیون به انجنیر احمدشاه احمدزی رهبر حزب اقتدار اسلامی واگذار شد و اعلان گردید روز شنبه ۲۲ جوزا برای ادامه فعالیت و برنامه ریزی نشستی صورت گیرد، در جلسه روز شنبه در مورد ساختار و برنامه های بعدی کمیسیون بحث صورت گرفت و به اتفاق آراء فیصله شد که آن مجموعه تحت عنوان «مرکز دفاع از ارزشهای دینی و مبارزه با جریان های انحرافی» بطور دائمی به ریاست انجنیر احمدشاه احمدزی و حجت الاسلام والمسلمین آقای هادی رئیس بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) به عنوان معاون و پوهنمل نسیم فقیری رئیس دارالانشاء جمعیت اسلامی بعنوان منشی انتخاب گردیدند.

**گردهمایی احزاب اسلامی و نهاد های علمی و فرهنگی در اعتراض به**

**تبلیغ مسیحیت**

برخی احزاب اسلامی، نهاد های علمی، فرهنگی و شخصیت های دینی در واکنش به فعالیت های گمراه کننده موسسات خارجی در کابل گردهم آمدند و تبلیغات مسیحیت سازی در افغانستان را توسط غربی ها محکوم کردند.

روز جمعه ٢٨ جوزا ساعت ٢ بعد از ظهر در محوطه مسجد جامع شیر شاه سوری اجتماع بزرگ با شرکت رهبران جهادی، علماء و شخصیت های علمی و فرهنگی بر پا گردید، در این گردهمایی مردم با ابراز انزجار از کسانی که تبلیغ مسیحیت می کنند محکوم نمودند، در این گردهمایی شرکت کننده گان با دادن شعار مرگ بر منافقین، مرگ بر اسرائیل و مرگ بر کسانی که تبلیغ مسیحیت می کنند، این اعمال را به شدت محکوم کردند.

انجنیر احمد شاه احمدزی رهبر حزب اقتدار اسلامی یکی از سخنرانان این گردهمایی در بخش از سخانش گفت: این گردهمایی به منظور دفاع از دین مقدس اسلام، محکوم کردن ترویج دین مسیحیت در کشور و جلوگیری از آن توسط دولت، برگزار شده است. آقای احمدزی «رئیس کمیسیون دفاع از ارزشهای دینی و مبارزه با جریان های انحرافی» تاکید کرد: باید دولت افغانستان جلو مسیحیت سازی را در این کشور بگیرد، با آنکه تعدادی از وزرا و مقامات بلند پایه دولتی، هیچ وقت به فکر دفاع از دین مقدس اسلام نبوده و نخواهند بود، اما با این حال باید مردم مسلمان و مجاهد افغانستان هوشیار باشند و نگذارند غربی ها با سرنوشت و اعتقادات شان بازی نمایند.

احمدزی خاطر نشان کرد: ما ملت افغانستان به خارجی ها اجازه نمی دهیم که به مقدسات ما توهین کنند و از فقر مردم سوء استفاده نمایند، ما به این حقیقت باور داریم که تلاش های غربی ها در راستای مسیحی سازی به جایی نمی رسد به جز اینکه نفرت مردم را نسبت به خود شان برانگیزند.

رهبر حزب اقتدار اسلامی از تمام ارگانهای امنیتی، کشفی و استخباراتی کشور خواست تا جلو حرکات خصمانه غربی ها را در راستای ترویج دین مسیحیت در افغانستان بگیرند.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد هادی «هادی» رئیس بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) از دیگر سخنرانان گردهمایی بود و اظهار داشت: مردم افغانستان در برابر



ارتش سرخ شوروی سابق جهاد کردند و هزاران شهید و مجروح به خاطر حفظ دین اسلام دادند و امروز نیز با آنکه یک حکومت اسلامی تشکیل شده، اما منکرات، فحشا، تبلیغات سوء و دین‌گریزی در این کشور ادامه دارد.

آقای هادی «معاون کمیسیون دفاع از ارزشهای دینی و مبارزه با جریان‌های انحرافی» گفت: احزاب اسلامی افغانستان از دولت می‌خواهند تا در راستای جبران کاستی‌های موجود، هر چه زودتر اقدام نماید و نگذارد به اعتقادات و باورهای دینی مردم صدمه برسد.

به گفته مسئول تبلیغات شورای علمای شیعه: در نزد مردم افغانستان به جز دین اسلام دیگر هیچ دینی وجود ندارد و مردم این کشور مدیون دین اسلام است و مردم این سرزمین اعتقادات خویش را فراموش نمی‌کنند و برای حفظ آن تلاش می‌نمایند، و نیز این عضو شورای اخوت اسلامی تأکید کرد: وظیفه همه مسلمانان است که از اعتقادات و باورهای دینی خویش دفاع کنند و جلو مخالفت دشمنان اسلام را با قاطعیت بگیرند.

همچنین در این گردهمایی استاد ضیایی، سرپرست موسسه فرهنگی، خدماتی ثقلین و مولوی ضیال‌الدین «ضیا» معاون بنیاد علما و عضو شورای سرتاسری علمای افغانستان و دکتر کاکر سخنرانی نمودند و هر کدام بطور جداگانه تأکید نمودند که مردم مسلمان افغانستان تسلیم فرهنگ بیگانه نخواهند شد و این خود بیانگر رشد وضعیت اعتقادی مردم در حفظ فرهنگ اسلامی شان می‌باشد.

به گفته ی آنان عده ی کشورهای غربی با سرمایه گذاری هنگفت وارد میدان شدند تا از طریق برخی رسانه ها مردم افغانستان را به سوی گمراهی بکشانند که خوشبختانه با گذشت زمان در این راستا موفق نبوده و پس از این نیز هیچ تأثیر منفی بر اعتقادات مردم و ملت مسلمان ما نخواهند داشت.

بر اساس اعلامیه خبری مسئولین این گردهمای، جمعیت اسلامی افغانستان به رهبری پروفیسور برهان الدین ربانی، شورای علمای شیعه به ریاست آیت الله محسنی، حزب اقتدار اسلامی افغانستان، شورای اخوت اسلامی، آیت الله سید محسن حجت، شورای سرتاسری علمای افغانستان، اکادمی علوم، حزب دعوت اسلامی، شورای ائمه مساجد و خطباء تکایا، بنیاد علمای افغانستان، جمعیت اصلاح، بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص)،

شورای صلح سادات، شورای علمای حزب حرکت اسلامی، موسسه فرهنگی، خدماتی ثقلین، مدرسه دینی حضرت نرگس (س)، بنیاد فرهنگی راه امین و مجمع فرهنگی بقیه الله (عج) از برگزار کنندگان آن بودند.

## اعلامیه احزاب اسلامی، نهاد های علمی، فرهنگی و شخصیت های دینی

### در رابطه با فعالیت های گمراه سازی مؤسسات مسیحی در افغانستان

از چندی بدینسو فعالیت های گمراه و تبلیغات زهر آگین از سوی افراد و مؤسسات مسیحی در کشور براه افتاده و این فعالیت ها بخشی از تهاجم و یورشهای گسترده و دامنه دار بر ضد افکار و اعتقادات اسلامی و امنیت ملی ما هست و تجاوز و تعرض آشکاری است که بر حقوق بشر صورت می گیرد.

مردم مسلمان و متدین افغانستان حق دارند که از دین خویش دفاع نمایند و نگذارند که فرزندان این کشور و نسل های امروز و فردا در دام شیطانی حلقات و مؤسسات تبشیری و نصرانی گرفتار، با عذاب درد ناک الهی مواجه شوند.

دین و ملت مسلمان ما هرگز به پخش و نشر افکار تعالیم و اعتقادات منسوخ شده و ناروای سایر ادیان در جوامع اسلامی اجازه نمی دهد و مسلمانان وظیفه دارند تا به صورت جدی و همه جانبه با این تبلیغات و فعالیت ها مقابله کنند و جلو آن را بگیرند.

ما از قوای ثلاثه دولت جدا خواستار بر خورد قاطع با همچو فعالیت ها و مؤسسات هستیم و بخصوص رسانه ها باید در این مبارزه بزرگ و گسترده دینی و ملی سهم فعال، سازنده و روشنگر داشته باشند و از فرا افگنی هایی در مسیر و به نفع این تهاجم پرهیز نمایند.

اطمینان داریم که مردم هوشیار، بیدار، با درک و با احساس ما اسیر این توطئه های شیطانی نخواهند شد و با تمام قدرت در برابر این هجوم ایستادگی خواهند کرد.

جمعیت اسلامی افغانستان

شورای سرتاسری علمای افغانستان

حضرت آیت الله العظمی محسنی موسس حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)

آکادمی علوم افغانستان

حزب اقتدار اسلامی افغانستان

حزب دعوت اسلامي افغانستان

شورای اخوت اسلامي افغانستان

شورای ائمه مساجد و خطبای تکایا

حضرت آیت الله سید محسن حجت

بنیاد علمای افغانستان

شورای صلح سادات

جمعیت اصلاح

شورای علمای حزب حرکت اسلامي افغانستان

بنیاد فرهنگي، تبليغي پيامبر اعظم (ص)

موسسه فرهنگي، خدماتي ثقلين

بنیاد فرهنگي راه امين

مدرسه ديني حضرت نرگس (س)

مجمع فرهنگي بقيت الله (عج)

**اطلاعيه**

## **کمیسیون دفاع از ارزشهای ديني**

### **و مبارزه با جريان های انحرافي**

قرار است اجتماع بزرگي جهت ابراز خشم مردم مسلمان ما در برابر تهاجم ضد فرهنگي و تبليغات سوء و گمراه کننده افراد و مؤسسات مسيحي در کشورف صورت گيرد.

هموطنان آگاه و بيدار ما آگاهي دارند که از چندي بدینسو این تبليغات گمراه کن و فعاليت های مسيحي سازی، شدت گرفته و هويت اسلامي و امنيت ملی را با خطر مواجه ساخته است.

اجتماع بزرگ با شرکت رهبران محترم جهادي، علماء و شخصيت های علمي، فرهنگي و سياسي برگزار می گردد.

از هموطنان با درک و با احساس توقع داریم تا در این اجتماع سهم بگيرند و به شکوه آن بیفزایند.

زمان: جمعه ۲۸ جوزای ۱۳۸۹، از ساعت ۲ الی ۵ عصر  
مکان: کارته چهار، مسجد جامع شیر شاه سوری

### کمیسیون بر گزارى اجتماع

به مدیریت محترم رسانه .....!

با عرض سلام و توفیقات روز افزون، بدینوسیله اظهار میشود که ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۸ گردهمایی و تجمع از سوی کمیسیون «دفاع از ارزشهای دینی و مبارزه با جریان های انحرافی» و با حضور شخصیت های برجسته علمی و سیاسی کشور در مسجد جامع شیر شاه سوری واقع در کارته چهار برپا می گردد، امید داریم علاوه بر اعلان اطلاعیه جهت اطلاع رسانی و پوشش خبری این حرکت مردمی عنایت فرموده ما را یاری رسانیده و همکاری همه جانبه شما را می خواهیم.

با احترام

انجنیر احمد شاه احمدزی

رئیس کمیسیون دفاع از ارزشهای دینی

و مبارزه با جریان های انحرافی

**حضرت آیت الله محسنی:** شورای علمای شیعه به آقای هادی رئیس تبلیغات این شورا دستور داده بود که در مورد ترویج مسیحیت و فعالیت کشیشان معلوماتی به دست آورد.

**آکادمیسین استاد ربانی:** چنانکه شاهد هستیم، چند روز قبل به همت برادر عزیزما حجت الاسلام جناب آقای هادی بعضی مراکز مسیحیت سازی افشا گردید، من قبلا با آقای هادی صحبت کردم که حرکت های بنام دعوت به مسیحیت آغاز شده ولی ایشان بعضی مسائلی را یاد آور شد که من بعدا متوجه شدم معلومات من محدود بوده و مسیحیت در این کشور برنامه های کلانی را دارد انجام می دهند.

**حضرت آیت الله حجت:** حجت الاسلام آقای هادی قبل از برگزاری این جلسه نیز در صدد کشف و توطئه های مسیحیت و تبشیریهها بودند و بحمد الله تا حدود موفق شدند و عوامل نفوذی ایشان بعضی موارد را بر ملا ساخت، هرچند که ایشان از طرف بعضی از مراکز غیر مسئول مورد تهاجم قرار گرفت، چون کار برای خدا بود من فکر می کنم که قدم های ایشان موثر واقع شد و بر همه ماست که از کار های عاقلانه و درستی که هر کسی انجام می دهند حمایت نموده و سکوت را اختیار نکنیم.

**پروفسور صدیق افغان:** همه در جریان هستید که فابریکه های مسیحیت سازی از برکت بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) مخصوصا با تلاش حاج آقای هادی افشا گردید.